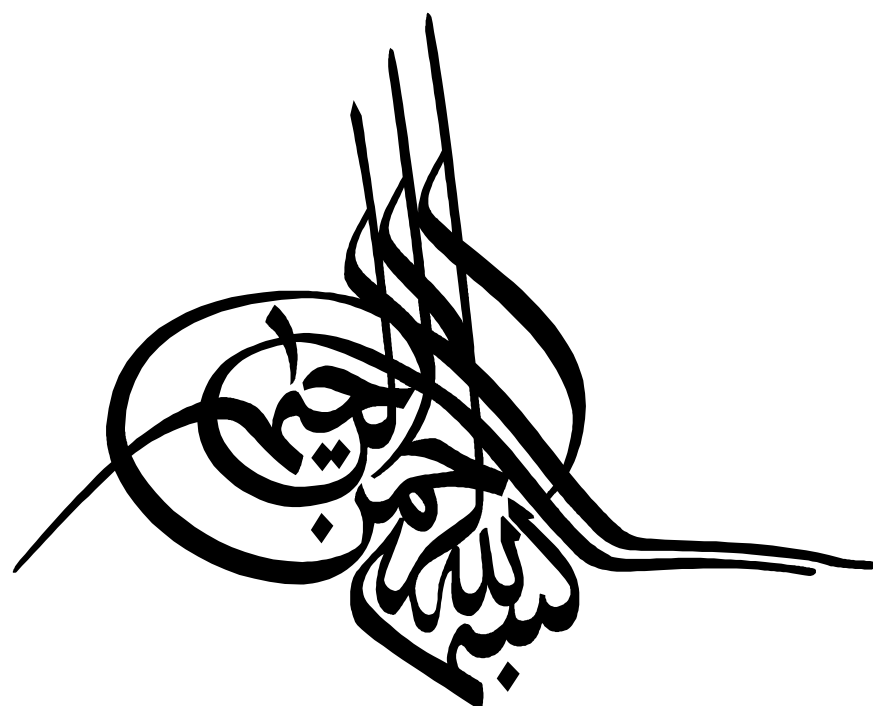






سازمان امور مالیاتی کشور

مشوقهای مالیاتی و عملکرد

مناطق آزاد در ایران

معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل

دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی

۱۳۹۳-۹۴

شناسنامه

عنوان: مشوقهای مالیاتی و عملکرد مناطق آزاد در ایران

نام معاونت: پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل

نام دفتر: پژوهش و برنامه‌ریزی

نام گروه: مطالعات و تحقیقات مالیاتی

پدیدآورندگان: دکتر ابراهیم رضایی، محسن حسنی، محبوبه زمانیان

ناظران علمی: احمد زمانی، آیت زایر

مدیر مطالعه: محمدرضا عبدی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

خلاصه مدیریتی

۱. مناطق آزاد، منطقه محدودی از سرزمین اصلی با شرایط خاص و ترجیحی اقتصادی در مواردی مانند قوانین گمرکی، مالیاتها، اجازه اقامت نیروی کار و غیره است که به منظور افزایش رشد اقتصادی و متوازن سازی توسعه محلی مورد استفاده قرار می گیرند. بررسی جغرافیایی مناطق آزاد در اقصی نقاط دنیا نشان می دهد که از دهه ۱۹۷۰ به این سو، تعداد مناطق آزاد در تمام دنیا به سرعت در حال افزایش بوده است.
 ۲. یکی از ویژگی های جهانی مناطق آزاد اقتصادی، اعطای انواع مشوقها و تسهیلات در مقررات، تأمین مالی ها و مسائل مالیاتی در این مناطق است. در خصوص مشوقهای مالیاتی، بررسی ها نشان می دهد اغلب کشورهای توسعه یافته ضمن اینکه سعی می کنند قوانین مالیاتی خود را بگونه ای تنظیم کنند که مالیات مضاعف در سطح بین الملل از شرکتهای فعال در مناطق آزاد اخذ نشود ولی در عین حال، بهشتهای مالیاتی را نیز به شرکتهای اعطا نکرده و از رقابتهای مخرب مالیات در سطح بین الملل خودداری می کنند.
 ۳. یکی از نکات مهم در بحث اعطای مشوقهای مالی و مالیاتی برای مناطق آزاد، نوع این مشوقها می باشد. بررسی تجارب کشورها در مورد روشهای اعطای مشوقهای مالیاتی در مناطق آزاد نشان می دهد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، معافیت مالیاتی طولانی مدت بعنوان مشهورترین ابزار تشویقی، رایج است. اما در کشورهایی مانند ژاپن این مشوقها به طرق دیگری مانند اعتبار مالیاتی و یا بصورت محدود برای سرمایه گذاران در نظر گرفته شده است.
 ۴. ادبیات تجربی موجود در مورد عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در مناطق آزاد، حاکی از اهمیت بیشتر عوامل غیرمالیاتی در جذب سرمایه های بین المللی در مقایسه با مشوقهای مالیاتی است.
 ۵. در قوانین و مقررات موجود در ایران نیز مشوقها و معافیتهای مالیاتی مختلفی برای مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی پیش بینی شده است:
- مطابق ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷، اشخاص حقیقی و حقوقی که در این مناطق به انواع فعالیت های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره برداری مندرج در مجوز، به مدت ۲۰ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم معاف خواهند بود و پس از انقضای ۲۰ سال، تابع مقررات مالیاتی خواهند بود که با پیشنهاد هیات وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

- مطابق ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنجم توسعه به منظور ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفاء نقش مؤثر آنها در تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام، اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در این مناطق، هم‌پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخشهای مختلف، مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه عوارض (به استثناء عوارض موضوع ماده (۱۰) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷)، مالیات و حقوق ورودی معاف می‌باشند.

- مطابق ماده (۱۳۲) قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاح شده طبق قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱)، درآمد ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی اشخاص حقوقی غیردولتی در واحدهای تولیدی یا معدنی که از تاریخ اجرای این ماده از طرف وزارتخانه‌های ذی‌ربط برای آنها پروانه بهره‌برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می‌شود و همچنین درآمدهای خدماتی بیمارستان‌ها، هتلها و مراکز اقامتی گردشگری اشخاص یادشده که از تاریخ مذکور از طرف مراجع قانونی ذی‌ربط برای آنها پروانه بهره‌برداری یا مجوز صادر می‌شود، از تاریخ شروع بهره‌برداری یا استخراج یا فعالیت به مدت پنج سال و در مناطق کمتر توسعه‌یافته به مدت ده سال با نرخ صفر مشمول مالیات می‌باشد.

- دوره برخورداری محاسبه مالیات با نرخ صفر برای واحدهای اقتصادی مذکور موضوع این ماده واقع در شهرکهای صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی دو سال و در صورت استقرار در شهرکهای صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته، به مدت سه سال افزایش می‌یابد.

- شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی برای اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در مناطق آزاد و سایر مناطق کشور تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موقع مقرر قانونی است. اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی شامل ترازنامه و حساب سود و زیان طبق نمونه‌ای است که توسط سازمان امور مالیاتی تهیه می‌شود.

- نرخ صفر مالیاتی و مشوقهای موضوع این ماده شامل درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز استان تهران و پنجاه کیلومتری مرکز استان اصفهان و سی

کیلومتری مراکز سایر استان‌ها و شهرهای دارای بیش از سیصد هزار نفر جمعیت براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن نمی‌شود.

- واحدهای تولیدی فناوری اطلاعات با تأیید وزارتخانه‌های ذی‌ربط و معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور در هر حال از امتیاز این ماده برخوردار می‌باشند. همچنین مالیات واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در کلیه مناطق ویژه اقتصادی و شهرکهای صنعتی به استثنای مناطق ویژه اقتصادی و شهرکهای مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز استان تهران با نرخ صفر محاسبه می‌شود و از مشوقهای مالیاتی موضوع این ماده برخوردار می‌باشند.

درخصوص مناطق ویژه اقتصادی و شهرکهای صنعتی یا واحدهای تولیدی که در محدوده دو یا چند استان یا شهر قرار می‌گیرند، ملاک تعیین محدوده به موجب آیین‌نامه‌ای است که حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

• به استناد مواد ۶، ۷، ۱۳ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بر اساس بخشنامه شماره ۵۴۴۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۶ سازمان امور مالیاتی کشور، مبادلات کالا و خدمات فیما بین اشخاص و فعالان اقتصادی مقیم در مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی، در داخل محدوده مناطق یاد شده، مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده نمی‌باشد. همچنین صادرات کالا و خدمات از مناطق مذکور به خارج از کشور و همچنین واردات کالا و خدمات از خارج از کشور به مناطق یاد شده مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون مذکور نمی‌باشد.

۶. مواردی مانند داشتن زیر ساختهای مناسب، انرژی ارزان، نیروی کار فراوان، ثبات سیاسی و مانند آنها جزء پیش شرطهای موفقیت مناطق آزاد هستند. همچنین مواردی مانند افزایش اشتغال در مناطق، ارزآوری و صادرات بیشتر بعنوان پیامدهای موفقیت این مناطق در نظر گرفته می‌شوند که البته به تنهایی مقیاس مناسبی برای سنجش عملکرد مناطق آزاد نیستند. به عبارت دقیق‌تر، ممکن است یک منطقه اقتصادی، ایجاد شغل کرده و صادرات و ارزآوری نیز داشته باشد، اما هنگام انجام تحلیل هزینه-فایده، نشانه‌های مثبتی از منافع

خالص آن وجود نداشته باشد. بنابراین مقیاس های کمی همیشه باید بصورت یکجا و باهمدیگر مورد استفاده قرار بگیرند تا همزمان تحقق پیش شرطها و دلایل موفقیت مناطق مورد راستی آزمایی قرار گیرد.

۷. بررسی علی-تحلیلی در مورد تأثیر مشوقهای مالیاتی در ایران در جذب سرمایه گذاری که در چارچوب یک ساختار پنل دیتای نامتوازن برای مناطق آزاد انجام شده است نشان می دهد، سرمایه گذاری مستقیم خارجی یا داخلی تأثیر معنی داری از این مشوقها نپذیرفته اند و ضرایب مربوط به مشوقهای مالیاتی در جذب سرمایه گذاری معنی دار نیستند.

۸. بررسی منافع و هزینه های مشوقهای مالیاتی نیز نشان می دهد که اولاً منافع حاصل از اعمال معافیت های مالیاتی منجر به سرمایه گذاری های گسترده و پوشش درآمدهای از دست رفته دولت از طریق افزایش ارزش خالص دارایی ها نشده است و ثانیاً ارزش فعلی دارایی های بنگاه در روش مستهلک سازی سریع افزایش می یابد.

۹. به طور کلی به نظر می رسد مناطق آزاد در ایران با وجود برخورداری از یک رژیم کامل تشویقی، هم در بعد پیش شرطها و هم در بعد پیامدها، یعنی جذب سرمایه های خارجی، روند چندان قابل قبولی را طی نکرده اند. بنابراین دولت می تواند بجای ارائه مشوقهای عام و غیرهدفمند مالیاتی، یک برنامه راهبردی کلان و بلندمدت برای این مناطق را اجرا کند تا کشور از محل شکست برنامه های مشوق-محور جهت جذب سرمایه های خارجی و داخلی در این مناطق متضرر نگردد.

فهرست مطالب

فصل اول: مناطق آزاد ابزار رشد اقتصادی	۱
مقدمه	۲
۱,۱. سیر تحول مناطق آزاد در دنیا	۳
۲,۱. مبانی نظری مناطق آزاد	۷
۱,۲,۱. مدل‌های نو کلاسیک و مناطق آزاد	۸
۱,۲,۱. تحلیل‌های ایستای نظری	۸
۲,۱,۲. مناطق آزاد بعنوان کاتالیز و حرکت به سمت درونزا کردن اثرات آنها در مدل‌های رشد	۱۰
۲,۲,۱. تحلیل‌های اقتصادی-کاربردی مناطق آزاد	۱۲
۱,۲,۲,۱. مطالعات مبتنی بر آمار توصیفی و بررسی‌های میدانی	۱۲
۲,۲,۲,۱. مطالعات مبتنی بر تکنیک‌های هزینه-فایده	۱۲
۳,۱. اهداف مناطق آزاد	۱۳
۱,۳,۱. اهداف اقتصادی	۱۴
۲,۳,۱. اهداف اجتماعی	۱۴
۳,۳,۱. اهداف علمی و تکنیکی	۱۴
۴,۱. آیا واقعاً مشوق‌های سرمایه‌گذاری بویژه مشوق‌های مالیاتی جهت موفقیت مناطق آزاد مهم‌اند؟	۱۵
۵,۱. بحث تکمیلی پیرامون موفقیت یا عدم موفقیت مناطق آزاد و جایگاه مشوق‌ها	۲۳
۱,۵,۱. مسئله دانش	۲۴
۲,۵,۱. مسئله انگیزه‌ها	۲۶
۶,۱. خلاصه فصل	۲۷
فصل دوم: جغرافیای اقتصادی مناطق آزاد و تطبیق سیاست‌های تشویقی	۲
مقدمه	۳۰

۱,۲	توزیع جغرافیایی مناطق آزاد در دنیا	۳۰
۲,۲	مقایسه تطبیقی برخی سیاستهای تشویقی مناطق آزاد ایران و کشورهای موفق	۳۱
۱,۲,۲	چین	۳۱
۲,۲,۲	امارات متحده عربی	۳۳
۳,۲,۲	وضعیت زیربنایهای مادی و اجتماعی مناطق کشورهای چین و امارات و مقایسه آن با ایران در سال آغازین	۳۴
۳,۲	مشوقهای سرمایه گذاری در مناطق آزاد اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا	۳۷
۴,۲	سیاستهای تشویقی در مناطق آزاد سایر کشورها	۳۹
۱,۴,۲	ترکیه	۳۹
۲,۴,۲	کره جنوبی	۴۰
۳,۴,۲	هند	۴۱
۴,۴,۲	زیمبابوه	۴۲
۵,۴,۲	کنیا	۴۲
۶,۴,۲	مراکش	۴۲
۷,۴,۲	رومانی	۴۲
۸,۴,۲	قزاقستان	۴۲
۹,۴,۲	لهستان	۴۳
۱۰,۴,۲	تایوان	۴۳
۱۱,۴,۲	ژاپن	۴۳
۱۲,۴,۲	آذربایجان	۴۳
۱۳,۴,۲	اسپانیا	۴۳
۵,۲	مقایسه تطبیقی برخی سیاستهای تشویقی مناطق آزاد ایران و سایر کشورها	۴۳
۶,۲	خلاصه فصل	۴۵

فصل سوم: بررسی عملکرد مناطق آزاد در اقتصاد ایران	۳۰
مقدمه	۴۷
۱,۳. چارچوب قانونی فراهم شده برای مناطق آزاد در ایران	۴۷
۱,۱,۳. قانون برنامه پنجم	۴۷
۲,۱,۳. قانون مالیات بر ارزش افزوده	۴۸
۳,۱,۳. قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷	۴۸
۴,۱,۳. ماده ۲۷۳ ق.م.م.	۴۸
۲,۳. رژیم مشوقهای سرمایه گذاری در مناطق آزاد ایران	۴۹
۳,۳. عملکرد مناطق آزاد در ایران	۵۰
۴,۳. بررسی تجربی: مشوقهای مالیاتی و جذب سرمایه های خارجی در مناطق آزاد ایران	۵۲
۵,۳. خلاصه فصل	۵۵
فصل چهارم: تحلیل هزینه - فایده مشوقهای مالیاتی در مناطق آزاد ایران	۴۷
مقدمه	۵۷
۱,۴. چارچوب هزینه - فایده تأسیس مناطق آزاد	۵۷
۲,۴. هزینه ها	۵۸
۱,۲,۴. هزینه های توسعه ای	۵۸
۲,۲,۴. هزینه های عملیاتی	۵۸
۳,۴. منافع	۵۹
۱,۳,۴. منافع حاصل از فروش یا اجاره زمین	۵۹
۲,۳,۴. منافع حاصل از اشتغال	۵۹
۳,۳,۴. منافع حاصل از استفاده از انرژی	۶۰
۴,۳,۴. منافع حاصل از مالیاتها برای دولتها	۶۰

۵,۳,۴	منافع حاصل از توسعه منطقه ای	۶۰
۶,۳,۴	منافع حاصل از درآمدهای ارزی	۶۱
۷,۳,۴	منافع حاصل از تکنولوژی وارداتی	۶۱
۴,۴	بررسی تجربی بر اساس تحلیل هزینه - فایده	۶۲
۱,۴,۴	نتایج برآوردها	۶۴
	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات	۶۷
۱,۵	جمع بندی و نتیجه گیری	۶۸
	منابع و مأخذ	۷۱

فصل اول: مناطق آزاد
ابزار رشد اقتصادی

امروزه در دنیا مدلها و ابزارهای متعددی برای برقراری ارتباط با اقتصاد بین الملل و استفاده از ظرفیت آن برای بهره‌برداری به نفع اقتصاد داخلی وجود دارد. یکی از این مدل‌های مشهور، تأسیس مناطق آزاد و جلب سرمایه‌های بین‌المللی از طریق این مناطق است. در حقیقت، این مناطق بعنوان یک «پنجره» یا «جزیره‌ای» متصل به سرزمین اصلی، وسیله‌ای برای انتقال تکنولوژی، سرمایه‌ها و تجارب مدیریتی به اقتصاد داخلی ارزیابی می‌شوند. همچنین، می‌توان آن را بعنوان قسمتی از سیاست‌های «درهای باز» نیز ارزیابی کرد.

به لحاظ تعریف، در کنوانسیون کیوتو^۱ منطقه آزاد اقتصادی «قسمتی از سرزمین اصلی است که مبادلات کالاها در آن فراتر از محدودیتهای موجود در سرزمین اصلی در نظر گرفته شده و مقید به قوانین گمرکی و مالیاتی سرزمین اصلی نیستند و ...» یا در تعبیر «لغت نامه بزرگ اقتصادی»^۲، منطقه آزاد اقتصادی «منطقه محدودی از سرزمین اصلی با شرایط خاص و ترجیحی اقتصادی در مواردی مانند قوانین گمرکات، مالیاتها، شروط اجاره، اجازه اقامت نیروی کار و موضوعاتی نظیر آن است که برای بنگاهها در نظر گرفته می‌شود».

از تعاریف فوق، چنین بر می‌آید که مناطق آزاد ضمن نمایش عزم دولتها برای ادغام در اقتصاد جهانی، وسیله‌ای برای کاهش دخالت‌های دولت در اقتصاد هستند. دیگر ویژگی‌های مشترک مناطق آزاد از دید اقتصاددانان و محققان عبارتند از (FIAS^۳ ۲۰۰۸، مدنی^۴ ۱۹۹۹):

- محصور شده در یک جغرافیای خاص؛
- فرآیندهای ساده مدیریتی؛
- برخورداری از انواع مشوقها؛
- و دارا بودن زیرساخت‌های قوی و کارآ.

با اینحال، این مناطق ممکن است تفاوت‌هایی نیز به لحاظ کارکرد و اهداف داشته باشند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد. اما از آنجا که هدف اصلی این مطالعه، ارزیابی اقتصادی یکی از ویژگی‌های مشترک مناطق آزاد یعنی اعطای انواع مشوقهای مالیاتی برای بنگاهها در این مناطق است، لذا سعی خواهد شد که اولاً تمام هزینه‌ها و منافع

^۱-The Kyoto Convention. available at:http://www.wcoomd.org/en/topics/facilitation/instrument-and-tools/conventions/pf_revised_kyoto_conv/kyoto_new.aspx

^۲ - Large Economic Dictionary

^۳ - FIAS (۲۰۰۸).

^۴ - Madani D (۱۹۹۹).

که بر اساس آمار و اطلاعات موجود قابلیت ارزیابی شدن را دارند در نظر گرفته شوند و ثانیاً جایگاهی که مشوقهای مالیاتی در عملکرد مناطق آزاد داشته و هزینه های احتمالی که بر اقتصاد ملی تحمیل می کنند نیز تحلیل گردد. روشن است که هر دوی اینها هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی، برای بنگاههای فعال در یک رشته فعالیت اقتصادی و در یک منطقه آزاد اقتصادی که یک دوره زمانی کافی را سپری کرده اند انجام خواهد شد. به همین منظور، در این فصل ابتدا سیر تحول مناطق آزاد به لحاظ تاریخی و تفاوتهای کارکردی آنها مورد بررسی قرار می گیرد. سپس مبانی نظری و اهداف آنها و آنگاه بحث در خصوص دخالتهای دولت در مناطق آزاد با ابزارهای در اختیار خود یعنی مالیاتها و مخارج آن، ارائه خواهد شد. در حقیقت، تمام هدف این فصل ارائه یک دید نظری و علمی از مناطق آزاد است تا بر مبنای آن سایر فصول که عمدتاً به مباحث تجربی خواهند پرداخت از یک استحکام نظری مطلوبی برخوردار بوده باشند.

۱.۱. سیر تحول مناطق آزاد در دنیا

تقریباً تا سال ۱۹۵۰ بیشترین مناطق آزاد اقتصادی از نوع آزاد تجاری بودند. این مناطق در کنار دریاها، و یا در فرودگاهها و بنادر ایجاد می شدند. این مناطق شامل بنادر آزاد چون هنگ کنگ، سنگاپور، هامبورگ و ... و مناطق آزاد دیگری چون کلون^۱ (پاناما)، بارسلونا، جنوا و ... می باشند. اولین سری شهرهای آزاد و بنادر آزاد در اروپا بوجود آمدند که در واقع بین قرون ۱۶ و ۱۸ تأسیس شدند. می توان از بنادر و شهرهای آزاد در قرن ۱۷ به ناپلز و ونیز در ایتالیا و پورتو در پرتغال اشاره کرد.

از اواسط قرن ۱۸ تا سال ۱۹۴۰ شهرهای آزاد به بنادر آزاد و مناطق آزاد تجاری تبدیل شدند. به عبارت دیگر، اولین انقلاب صنعتی (۱۸۴۰-۱۷۶۰) باعث شد که تولید صنعتی نظام سرمایه داری عرضه شود و اقتصاد کالایی نظام سرمایه داری گسترش پیدا کند. شهرهای آزاد، بنادر آزاد و مناطق آزاد تجاری نتیجه توسعه اقتصاد کالایی نظام سرمایه داری می باشد. دومین انقلاب صنعتی از اواخر قرن نوزده تا دهه ۱۹۲۰ باعث شد که مناطق آزاد تجاری از شهرهای آزاد به بنادر آزاد تبدیل شوند.

در منطقه آمریکا مناطق آزاد تجاری از زمان جنگ جهانی اول به بعد بوجود آمدند و در مجموع بنادر آزاد، شهرهای آزاد ابتدا در مدیترانه، دریاهای شمال و بالتیک بوجود آمدند و سپس در آسیا، آفریقا و آمریکا تا جنگ

^۱-Colon

جهانی دوم پراکنده شدند. به گونه‌ای که تا سال ۱۹۰۰، ۱۱ بندر و منطقه آزاد تجاری در دنیا وجود داشت که ۷ مورد آن در اروپا و ۴ مورد در آسیا قرار داشت و تا سال ۱۹۴۰ حدود ۷۵ بندر و منطقه آزاد در ۲۶ کشور جهان تأسیس شد.

تغییرات بزرگ در اقتصاد و سیاست جهان و گسترش علوم و تکنولوژی در جهان بعد از جنگ جهانی دوم اثر مهمی در توسعه مناطق آزاد تجاری در جهان داشت. مناطق آزاد تجاری به «دوره طلایی» خودشان رسیدند. نوع جدیدی از مناطق آزاد تجاری تأسیس شدند و مناطق ملی تجدید ساختار شدند. این دوره را می‌توان از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ در نظر گرفت که به دوزیر دوره ۵۹-۱۹۴۵ و ۷۰-۱۹۶۰ تقسیم می‌شوند.

بعد از سالهای جنگ جهانی دوم برخی کشورها شروع به بازسازی بنادر آزاد کردند و نوع جدیدی از مناطق را تأسیس کردند. ویژگی اصلی این دوره آن است که بسیاری کشورهای کمتر توسعه‌یافته آمریکای لاتین بنادر و مناطق آزاد تجاری را تأسیس کردند. به طور کلی تا سال ۱۹۵۷ این مناطق جدید در نواحی مختلف آمریکای لاتین تأسیس می‌شد.

در فاصله ۷۰-۱۹۶۰ مناطق آزاد صنعتی بعد از مناطق آزاد تجاری به وجود آمدند. این مناطق هر دوی صنعت و تجارت را پردازش می‌کردند. این نوع مناطق اغلب در کشورهای کمتر توسعه‌یافته رواج می‌یافت. به عنوان مثال به آسیای جنوب شرق و مکزیک می‌توان اشاره کرد. در این دوره شرکتهای چند ملیتی سرمایه‌های خود را از کشورهای توسعه‌یافته به مناطق کم‌هزینه جهت تولید انتقال دادند.

از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مناطق آزاد اقتصادی- علمی و جامع به وجود آمدند. این در نتیجه توسعه اقتصادی- سیاسی به همراه تحولات تکنولوژی می‌باشد. صنایع با تکنولوژی بالا دارای ویژگی‌هایی چون سود بالا، سرمایه‌گذاری بالا، رقابت بالا و ریسک بالا می‌باشند. به عبارت دیگر این صنایع دربرگیرنده اطلاعات زیاد، مواد اولیه جدید و انرژی جدید می‌باشند و بنابراین در مناطقی تأسیس می‌شوند که دارای مؤسسات تحقیقاتی زیاد، دانشگاههای بزرگ و محیط زندگی مناسب باشند. در این مناطق سیاستهای ترجیحی و همچنین مزیت‌ها عبارتند از: تحقیقات، آموزش، تولید و اقامتگاه برای محققان. منطقه ترکیبی است از: دانش، تکنولوژی، نیروی انسانی ماهر و سرمایه فیزیکی بالا. این مناطق همان مناطق آزاد اقتصادی- علمی می‌باشند. به عنوان مثال: پارک تحقیقاتی استانفورد (SP)، Hsinchu در تایوان، Science City در ژاپن، ناحیه صنعتی با تکنولوژی بالا (HIA) در آمریکا، از جمله این مناطق هستند.

همچنین در این دوره مناطق آزاد اقتصادی جامعی تشکیل شدند که در واقع دربرگیرنده جنبه‌های تجاری، صنعتی، خدماتی و علمی می‌باشد. فقط تعداد کمی از این نوع مناطق در جهان وجود دارد که دارای تمام ویژگی‌های فوق‌الذکر و تحولات تکنولوژی بالا می‌باشند. به عنوان مثال می‌توان به منطقه آزاد تجاری جامع مانائوس (Manaus) در برزیل، بنادر جامع (هنگ کنگ و سنگاپور)، مناطق ویژه اقتصادی شنژن در چین (Shenzhen) و منطقه بزرگ آزاد مکزیکالی در مکزیک (Moxicali) اشاره نمود.

مناطق آزاد اقتصادی مدرن اخیر بازارهای واقعی خود را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته پیدا کردند، بویژه در کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا. این نوع مناطق آزاد می‌توانند به طور موفقیت‌آمیزی سرمایه‌های خارجی را جذب کنند. پراکندگی جغرافیایی این مناطق در شرق آسیا از تایوان شروع شده و در سال ۱۹۶۶ در کره جنوبی و سپس در فیلیپین (۱۹۶۹)، مالزی (۱۹۷۱) و اندونزی (۱۹۷۳) پدیدار شد. در جنوب آسیا تأسیس این مناطق کند بوده است. به جز کاندلا (Kandla) در هند که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد بقیه مناطق در سریلانکا در سال ۱۹۷۸ و در بنگلادش و پاکستان در سال ۱۹۸۰ شکل گرفتند. در مجموع، رشد معنی‌داری در تعداد مناطق آزاد تجاری تا سال ۱۹۷۰ اتفاق افتاد. حدود ۸۸ منطقه آزاد تجاری در ۳۰ کشور کمتر توسعه‌یافته در دهه ۱۹۸۰ فعالیت می‌کردند که حدود ۸۰٪ از این مناطق در اروپا، آسیای شرق و آمریکا فعالیت می‌کردند و حدود ۲۰٪ در آفریقا و خاورمیانه فعالیت داشتند.

در هر حال، مناطق آزاد اقتصادی گام به گام به همراه ادغام جهانی اقتصاد توسعه پیدا کردند و تعدادشان بطور روزافزونی افزایش یافت. بگونه‌ای که برآوردها نشان می‌دهد امروزه بیش از ۳۵۰۰ منطقه آزاد از انواع مختلف آن، در بیش از ۱۳۵ کشور دنیا فعال هستند (ILO, ۲۰۱۴). همچنین ادغام اقتصاد جهانی روی مناطق آزاد تجاری کلاسیک اثرات قابل توجهی داشت. به گونه‌ای که مناطق آزاد اقتصادی چند جانبه در بستر چنین شرایطی بوجود آمدند. این مناطق در ناحیه‌های بزرگ بین چندین دولت با ساختارهای قومی و پیشرفته و اقتصادهای توسعه‌یافته و با مجموعه‌ای از شرایط مناسب بوجود آمدند. این مناطق بسیار حساس در مقابل تغییرات و تصمیمات جهانی هستند. به عنوان نمونه از این مناطق می‌توان به Maos-Rhine در اتحادیه اروپا اشاره کرد.

پس، بطور کلی مراحل شکل گیری مناطق آزاد را می توان بصورت زیر خلاصه کرد:

مرحله اول : مناطق آزاد اقتصادی - تجاری

این مرحله از اواخر قرن ۱۶ میلادی تا ۱۹۴۰ به صورت بندر آزاد ، شهر آزاد ، منطقه انبار کالا ، مناطق آزاد گمرکی ، مناطق ترانزیتی و... شروع به ایجاد و در نهایت به تکامل (اقتصادی- تجاری) رسیده است.

مرحله دوم : (۱۹۴۰-۱۹۷۰) : مناطق آزاد اقتصادی - صنعتی

این مناطق نیز در فاصله زمانی فوق به صورت مناطق آزاد صادراتی ، مناطق پردازش صادرات ، مناطق آزاد تولید ، مناطق آزاد صنعتی ، منطقه توسعه اقتصادی و تکنولوژی و ... فعالیت داشته اند.

مرحله سوم : (۱۹۴۰-۱۹۷۰) : مناطق آزاد اقتصادی - خدماتی

مناطق آزاد اقتصادی - خدماتی بیشتر تحت عناوین منطقه آزاد حرفه ای ، منطقه آزاد بانکداری ، منطقه آزاد بیمه ، منطقه آزاد توریستی و منطقه آزاد پزشکی فعالیت داشته اند.

مرحله چهارم (۱۹۷۰-۱۹۸۰) مناطق آزاد اقتصادی - علمی

پارک تحقیقات ، پارک تکنولوژی ، پارک علوم ، پارک تکنولوژی بالا ، پارک علوم و تکنولوژی، شهر علم، شهر آکادمیک، ناحیه صنعتی تکنولوژی بالا و ... عناوینی هستند که در واقع مناطق آزاد اقتصادی - علمی را تشکیل می دهند و یا معرفی می کنند.

مرحله پنجم (۱۹۷۰-۱۹۸۰) : مناطق آزاد اقتصادی جامع

این نوع مناطق تحت عناوینی چون منطقه آزاد اقتصادی ، منطقه ویژه اقتصادی ، منطقه آزاد ، منطقه تجاری آزاد جامع در اکثر فعالیتهایی که در مراحل فوق بدانها اشاره شد، مبادرت می ورزیدند .

مرحله ششم (۱۹۹۰-۲۰۰۰-۲۰۱۰) : مناطق آزاد اقتصادی فرامرزی (Cross - Border)

این مناطق تحت عناوین مثلث رشد و منطقه اقتصادی فرامرزی زمینه ادغام اقتصادهای چند ملیتی و ادغام در اقتصاد جهانی را به خوبی فراهم می آورند. در واقع مرحله آخر مناطق آزاد به صورتهایی چون «اتحادیه گمرکی» ، «بازار مشترک» ، «اتحادیه اقتصادی و پولی» و «اتحادیه اقتصادی سیاسی» در سراسر جهان دیده می شود. مباحث مذکور را می توان در یک نگاه و در شکل (۱-۱) مشاهده کرد.

شکل (۱-۱): سیر تحولات مناطق آزاد



۲.۱. مبانی نظری مناطق آزاد

بررسی های نظری و تجربی مربوط به مناطق آزاد در دو گروه عمده روش شناسی؛ اول، مدلهای سنتی نئو کلاسیک و رشد درونزای اقتصادی (تحلیل های ایستای نظری و تحلیل های کاتالیست بودن یا تسهیل کنندگی مناطق و ورود آنها در مدل های رشد) و دوم، تحلیل های اقتصادی- کاربردی مناطق آزاد (تحلیل های توصیفی و میدانی، و تکنیک های هزینه - فایده) صورت گرفته است. بدیهی است هر کدام از این دو خط تحقیقاتی، سهم بسیار قابل توجهی در

پیشبرد مباحث نظری مناطق آزاد در نزدیک به ۵۰ سال اخیر داشته است که در ادامه به تفصیل، به هر کدام از این موارد اشاره می شود.

۱،۲،۱. مدل‌های نئوکلاسیک و مناطق آزاد

۱،۲،۱. تحلیل‌های ایستای نظری

بررسی نظری و تجربی در چارچوب مدل‌های کلاسیک و نئوکلاسیک (مانند مدل هکشر-اوهلین) و جدید تجارت بین الملل در بیش از چهار دهه گذشته صورت پذیرفته است.

یکی از اولین مطالعاتی که در این زمینه به لحاظ نظری انجام شد مطالعه حمادا^۶ (۱۹۷۴) بود که در چارچوب روش‌شناسی اقتصاد نئوکلاسیک و بر مبنای مدل هکشر اوهلین در یک چارچوب 2×2 (دو کالا، دو عامل و دو کشور) تأکید کرد که منطقه آزاد اثرات رفاهی منفی بر اقتصاد کشور میزبان خواهد داشت. بر اساس تحلیل‌های وی، اگر فرض می شد که کشور در حال توسعه در تولید کالاهای کاربر مزیت نسبی داشته باشد آنگاه ورود سرمایه های خارجی بدان مفهوم خواهد بود که سرمایه های وارد شده در مناطق آزاد، نیروی کار مشغول در اقتصاد داخلی را به سمت این مناطق سوق خواهند داد و تولید کالاهای سرمایه بر افزایش و تولید کالاهای کاربر کاهش خواهد یافت. لذا تأسیس مناطق آزاد، کشور را از تولید کالاهایی که در آن مزیت نسبی دارد به کالاهایی که مزیت ندارد خواهد کشاند.

مطالعات همیلتون و سونسون^۷ (۱۹۸۲) نتایج مطالعه حمادا را بهبود داد ولی همچنان اثرات منفی سرمایه گذاری خارجی بر رفاه پابرجا بود. بر اساس فرض آنها مناطق آزاد لزوماً تولید کننده کالاهای سرمایه بر نبودند و می توانستند کالاهای کاربر را نیز تولید کنند.

به تدریج مطالعات مبتنی بر مدل‌های تجارت بین الملل با واقعی تر کردن فروض حاکم بر اقتصاد کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه نتایج متفاوت تری را نسبت به مطالعات قبلی مطرح کردند. از جمله فروضی که در مطالعات بعدی تعدیل و تصحیح شدند فرض وجود اشتغال کامل در کشورهای در حال توسعه بود. همچنین، فرض وجود اثرات سرریز سرمایه های مستقیم خارجی نیز وارد مدلها شد. علاوه بر این دو فرض، تجارت کالاهای واسطه‌ای نیز جزئی از فروض بود که به چارچوب مدل‌های بعدی اضافه شدند.

^۶ - Hamada, K. (۱۹۷۴).

^۷ - Hamilton C. and L. O. Svensson (۱۹۸۲).

از جمله این مطالعات می توان به بررسی میاگیوا^۸ (۱۹۸۶) اشاره کرد که در یک مدل ۳*۳ ایجاد مناطق آزاد را در بهبود رفاه اقتصادی مؤثر و معنی دار برآورد کرد. همچنین، یانگ و میاگیوا^۹ (۱۹۸۷) تأکید کردند که زمانیکه فرض وجود نیروی کار بیکار به مدل اضافه می شود اثرات مثبت تأسیس مناطق آزاد بر رفاه اقتصادی غیرقابل رد شدن است.

اما مسأله اصلی در این مطالعات این بود که تأسیس مناطق آزاد اولین سیاست بهینه برای بهبود رفاه اقتصادی نبود بلکه دومین سیاست بهین بود. چرا که اقتصاددانان نئوکلاسیک اولین سیاست بهین برای رفاه اقتصادی از منظر اقتصادیین الملل را «تجارت آزاد» قلمداد می کنند.

در این زمینه، دانی رادریک^{۱۰} (۲۰۰۸) در مقاله ارزشمند خود بیان می کند که یکی از فرقه های بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در الگوهای رشد آنها استفاده از سیاستهای بهین اول توسط پیشرفته ها و سیاستهای بهین دوم در غیرپیشرفته ها است.

رادریک، سیاستهای بهین دوم را در چهار مقوله مشخص تقسیم بندی کرده است: ایجاد محاکم قضایی و الزام به اجرای قراردادها^{۱۱}، مقررات ورود و کارآفرینی^{۱۲} و آزاد سازی واردات و ادغام در اقتصاد جهانی^{۱۳} و اعتباربخشی به سیاستهای پولی و عملکرد اقتصادی^{۱۴}.

از آنجا که بحث این مطالعه مستقیماً به مورد سوم یعنی آزادسازی واردات و ادغام در اقتصاد جهانی مربوط می شود لذا بحث رادریک مجدداً در این قسمت از تحقیق ذکر می شود. رادریک، بحث مزبور را اینگونه شروع می کند که هر کشوری که خواهان ورود به تجارت بین الملل و اقتصاد جهانی باشد آنگاه همه کتابهای درسی و نهادهای مالی - پولی بین الملل (مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و...)، پیشنهاد می کنند که محدودیتهای مقداری و همچنین قیمتی مانند تعرفه ها باید از سر راه تجارت حذف شوند.

اما تجربه موفق جهانی سازی در بین کشورهای در حال توسعه طی دهه های گذشته نشان از الگوهای متفاوت و پذیرش ترتیبات نهادی دیگری، غیر از آنچه که در تئوری های ناب گفته شده، داشته است. کره جنوبی و تایوان رژیمی از یارانه های صادراتی را در دهه ۱۹۶۰ پیاده کرده و ضمن متنوع سازی صادرات، از صدور کالاهای سنتی

^۸ - Miyagiwa, K. (۱۹۸۶).

^۹ - Young L. and K. F. Miyagiwa (۱۹۸۷).

^{۱۰} - Rodric, Dani. (۲۰۰۸).

^{۱۱} - Courts and contract enforcement

^{۱۲} - Entry regulations and entrepreneurship

^{۱۳} - Import liberalization and global integration

^{۱۴} - Credibility of monetary policy and economic performance

نیز دست برداشتند. کشورهای جنوب آسیا مانند مالزی و تایلند به گسترش مناطق آزاد تجاری پرداختند و موریانی هم، از معدود کشورهای موفق آفریقایی، راه آنها را پیمود. چین به ترکیبی از دو سیاست تأسیس مناطق آزاد اقتصادی و سیاستهای بهبود بخش صادرات دست زد. در هیچکدام از این کشورها قطع تعرفه ها در مراحل اولیه نقش معنی دار در بهبود موقعیت تجاری بین المللی آنها نداشته است. به همین خاطر این کشورها شاید در مرحله اول تمام سفارشات تئوری های مرسوم را جهت ادغام در اقتصاد جهانی عملیاتی نکرده اند بلکه با حفظ عناصر مهمی از این محدودیتها، بصورت گام به گام و نموی و بعد از ظهور هر فعالیت جدید، محدودیت سر راه فعالیتهای نوین را حذف کرده اند. همچنین، مسائل مربوط به اقتصاد سیاسی آنها نیز، که در ادامه این فصل به آنها اشاره خواهد شد، حذف کرده اند.

بنابراین، درسی که از این اقدامات گرفته می شود این است که برای رسیدن به موفقیت در برخی الگوی های رشد و توسعه، بایستی نهادهای متناسب با اقتصاد هر کشور ایجاد شده و برخی اوقات توصیه های سیاستی اقتصاد ارتدکس نیز کنار گذاشته شود.

۲،۱،۲. مناطق آزاد بعنوان کاتالیز و حرکت به سمت درونزا کردن اثرات آنها در مدلهای رشد

جانسون و نیلسون^{۱۵} (۱۹۹۷) بیان می کنند که تئوری های سنتی تجارت و رشد بر این مبنا استوار هستند که به محض حذف شدن موانع سر راه تجارت کشورها، این اقتصادها سریعاً در اقتصاد جهانی ادغام خواهند شد. اما این دو اقتصاددان این فرضیه را برای کشورهای در حال توسعه نمی پذیرند و اذعان می دارند که بسیاری از بنگاههای کشورهای در حال توسعه نه تنها مقوله «چگونگی صادرات»^{۱۶} در مباحث تکنولوژیکی بلکه حتی در مسائل بازاریابی و رقابتهای مدیریتی را نیز درک نمی کنند.

به نقل از این دو پژوهشگر (ص ۲)، اقتصاددان برجسته ای مانند رومر^{۱۷} (۱۹۹۳) بر این باور است که در فرآیند توسعه بین شکافهای اشیاء^{۱۸} مانند؛ کمبودها در ماشین آلات، سرمایه انسانی، زیرساختها و مواردی نظیر آن و شکافهای ایده ها^{۱۹}، فاصله بوجود آمده است. شکافهای ایده ها در نظر بسیاری از پژوهشگران همان شکافهای تکنولوژیک است. باینحال رومر مصادیق دیگری را نیز برای این مفهوم بر می شمارد: مصادیقی مانند بسته بندی، بازاریابی، توزیع،

^{۱۵} - Johansson Helena and Lars Nilsson. (۱۹۹۷).

^{۱۶} - Export Know-how

^{۱۷} - Romer, P. M. (۱۹۹۳).

^{۱۸} - Object Gaps

^{۱۹} - Ideas Gaps

کنترل موجودی، سیستمهای پرداخت، سیستمهای اطلاعات، فرآیندهای مبادلات، کنترل کیفیت و تحریک انگیزه های کارگر از اهم مواردی هستند که در اقتصاد مدرن به ایجاد ارزش اقتصادی منجر می شوند.

روشن است که هر دوی این شکافها در کشورهای در حال توسعه وجود دارد و اگرچه می توان بر اساس یک سری سیاستهای داخلی مانند آموزش نیروهای انسانی، باثبات سازی محیط اقتصاد کلان کشورها، پیاده سازی حقوق مالکیت و مواردی نظیر آن در از بین بردن این شکافها گام برداشت. ولی هنوز راههای دیگری نیز وجود دارند که بصورت میانبر می توانند این کشورها را در رسیدن به این اهداف موفق نمایند. یکی از این راههای میانبر جذب سرمایه های مستقیم خارجی و استفاده از اثرات سرریز آنها در شکافهای ایده ای و اشیایی است.

مناطق آزاد بعنوان یک بستر مناسب می توانند با جذب شرکتهای چند ملیتی و سرمایه های مستقیم متعلق به آنها در رسیدن به این هدف نقش کاتالستی بسیار مهمی برای کشورهای میزبان داشته باشند. بعد از مطرح شدن این تئوری و سایر تئوری های هم راستای آن، خط تحقیقاتی نظری و تجربی ادامه داری در این زمینه شکل گرفت تا میزان راست نمایی آن مورد بررسی های دقیق تر قرار گیرد.

بعنوان نمونه، جانسون^{۲۰} (۱۹۹۴، ۱۹۹۷) تأکید می کند که اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد صرفاً به جریان سرمایه به کشور میزبان ختم نمی شود بلکه سایر اثرات سرریز آن نیز شاخصهای اقتصادی آن کشور را تحت تأثیر مثبت قرار می دهند. اولین اثر سرریزی که جانسون از آن بحث می کند آن است که ورود شرکتهای خارجی در این منطقه شرایطی را برای بنگاههای داخلی فراهم می آورد که تکنولوژی، بازاریابی و الگوهای مدیریتی را بصورت یکجا مورد استفاده قرار داده و عملکرد خود را بهبود ببخشند. علاوه بر آن، ممکن است ورود بنگاههای خارجی شرایطی را فراهم آورد که بنگاههای داخلی توسط آنها خریداری و یا در آنها ادغام شوند. این نیز وسیله ای خواهد شد که این بنگاهها در بازارهای بین المللی ورود پیدا کنند. بر اساس بحث جانسون، اگر این ویژگی ها به مدلهای نئوکلاسیک قبلی اضافه شوند اثرات منفی آنها بر رفاه اقتصادی از بین خواهد رفت.

نیلسون^{۲۱} (۱۹۹۷) این شرایط را در چارچوب یک مدل رشد مورد آزمون قرار داده و نتیجه می گیرد که اثرات مثبت این شرایط جدید بر رفاه یا همان تأسیس مناطق آزاد را نمی توان رد کرد.

مدنی^{۲۲} (۱۹۹۹) نیز اثرات سرریز تأسیس مناطق آزاد را انتقال تکنولوژی، بهبود مهارتهای مدیریتی، اثرات یادگیری و توسعه سرمایه انسانی بیان می کند.

^{۲۰} - Johansson H. (۱۹۹۴).

^{۲۱} - Johansson H. and Nilsson L. (۱۹۹۷).

^{۲۲} - Nilsson (۱۹۹۷)

فias^{۲۳} (۲۰۰۸) اثرات مناطق آزاد را به دو اثر پویا و ایستا تقسیم می کند. اثرات ایستا عبارتند از بهبود صادرات و متنوع سازی آن، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، اشتغال مستقیم، درآمدهای ارزی و درآمدهای دولت. اثرات پویا نیز که به سختی قابل اندازه گیری بوده و معمولاً در بلندمدت قابل مشاهده هستند، عبارتند از: ایجاد اشتغال غیر مستقیم، انتقال تکنولوژی، بهبود مهارتها و ارتباطاتی که این مناطق با اقتصاد داخلی برقرار می کنند. یکی از چارچوبهای نظری دیگر که اثرات سرریز سرمایه گذاری های مستقیم خارجی و تأسیس مناطق آزاد را مورد توجه قرار می دهند تئوری های رشد اقتصادی هستند. در این مسیر تحقیقاتی، ری و دیگران^{۲۴} (۱۹۹۰) مناطق آزاد اقتصادی را بعنوان کاتالیستهای می دانند که با ترکیب تکنولوژی، نیروی کار و مدیریت مبتنی بر دانش، صادرات را افزایش می دهند.

۲,۲,۱. تحلیل های اقتصادی-کاربردی مناطق آزاد

تحلیل های مناطق آزاد عمدتاً بر اساس دو شکل روش شناختی صورت پذیرفته اند: اول: مطالعات مبتنی بر آمار توصیفی و مطالعات میدانی و دوم: مطالعات مبتنی بر تکنیک های هزینه - فایده.

۱,۲,۲,۱. مطالعات مبتنی بر آمار توصیفی و بررسی های میدانی

طیف وسیعی از مطالعات در خصوص مناطق آزاد، از شاخص های آمار توصیفی و همچنین از آزمون فرض های آمار استنتاجی استفاده کرده اند. این مطالعات، اغلب ارتباطات بین شاخص ها را بر اساس معنی داری آماری و در سه حالت کلی مثبت، منفی و صفر بررسی کرده اند. روشن است که برآیند اینگونه مطالعات، اغلب به برآورد ضرایب و ارقام کمی ختم نمی شوند بلکه در بهترین حالت، اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق پرسشنامه بدست آورده و اقدام به رتبه بندی عوامل مؤثر بر شاخص وابسته می نمایند.

۲,۲,۲,۱. مطالعات مبتنی بر تکنیک های هزینه - فایده

بررسی تجربی در چارچوب تکنیک های هزینه-فایده مانند روش یافتن ارزش فعلی خالص از جمله روشهایی است که در تحلیل های مزبور مورد استفاده قرار گرفته است.

^{۲۳} - FIAS (۲۰۰۸).

^{۲۴} - Rhee, Y.W., K. Katterbach and J. White. (۱۹۹۰).

مطالعاتی که وور^{۲۵} (۱۹۸۷ و ۱۹۸۹) با استفاده از روش هزینه- فایده انجام داده، مدل‌های نئوکلاسیکی را هم نقد کرده است. از جمله فروشی که در این مطالعات مورد نقد قرار گرفته است عدم تحرک کامل سرمایه بصورت بین‌المللی است که این محقق این فرض مدل‌های اولیه نئوکلاسیک را چندان واقعی تصور نمی‌کند. همین ویژگی نیز برای کارکرد کارآی مناطق آزاد بسیار مهم است. از اینرو، وی عمده نتایج بدست آمده از این مدل‌ها را چندان معتبر تلقی نمی‌کند.

در مقابل، محققان بر این باورند که رویکرد هزینه - فایده اثر مثبت تأسیس مناطق آزاد بر رفاه اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دهد ولی قدرت و انعطاف این ابزار چندان زیاد ارزیابی نمی‌شود. مهمترین منافع که این رویکرد از تأسیس مناطق آزاد بر می‌شمارد عبارتند از: درآمدهای ارزی، مالیاتهای دولت، اشتغال، فروش مواد اولیه داخلی و درآمد حاصل از اجاره زمین و ساختمان. مهمترین هزینه‌ها نیز عبارتند از: هزینه‌های ایجاد زیرساختها، خدمات عمومی و هزینه‌های اجرایی و مدیریتی. (جنکینز، اسکویل و لارین^{۲۷}، ۱۹۹۸)

مهمترین ایراد روشهای هزینه - فایده نیز نیاز آن به داده‌های زیاد و خرد جهت محاسبه تمام هزینه‌ها و منافع است که فراهم کردن این داده‌ها امر چندان ساده‌ای نیست. همچنین، برخی تقریب‌سازی‌ها و فروض آن را نیز باید به محدودیت قبلی اضافه کرد. علاوه بر آن، این روشها قادر به محاسبه کامل اثرات سرریز تکنولوژی و مهارتهای اضافه شده و سایر متغیرهای کیفی نیستند در حالیکه همه آنها جزء مهمی از دستاوردهای مناطق آزاد تلقی می‌شوند.

۳.۱. اهداف مناطق آزاد

امروزه از یک طرف، مناطق آزاد بعنوان ابزاری در جهت رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و از طرف دیگر، توسعه اقتصادی جهانی، سیاست و رشد علوم و تکنولوژی چگونگی تحولات مناطق آزاد تجاری را در دوره‌های متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همانگونه که در قسمتهای قبلی نیز اشاره شد مطالعات انجام شده در زمینه مناطق آزاد، طیف‌های متفاوتی از اهداف را برای این مناطق بر می‌شمارند که در این قسمت از تحقیق، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

^{۲۵} -Warr, P. (۱۹۸۷).

^{۲۶} -Warr, P. (۱۹۸۹).

^{۲۷} - Jenkins M., G. Esquivel and B. F. Larrain (۱۹۹۸).

بر اساس تحقیقات مزبور، زمانیکه از یک منظر کلی به اهداف مناطق آزاد پرداخته می شود، می توان اهداف اقتصادی را از اهداف اجتماعی و تکنولوژیک به شرح زیر تفکیک کرد:

۱.۳.۱. اهداف اقتصادی

- ۱- تعمیق ورود اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی؛
- ۲- متنوع ساختن محصولات صادراتی از طریق رشد صادرات صنعتی؛
- ۳- افزایش خالص درآمدهای ارزی؛
- ۴- جذب سرمایه های خارجی و داخلی جهت گسترش تولید رقابتی؛
- ۵- ایجاد اشتغال و استفاده از ظرفیت نیروی کار بین الملل جهت رشد تولیدات ناهمگن؛
- ۶- افزایش درآمدهای دولت از کانال مالیاتها بر اساس نرخهای متفاوت از سرزمین اصلی.

۲.۳.۱. اهداف اجتماعی

- ۱- توسعه همه جانبه مناطق کمتر توسعه یافته؛
- ۲- کاهش پیامدهای اجتماعی ناشی از بیکاری؛
- ۳- افزایش رضایت مصرف کننده از طریق اشباع بازار داخلی از کالای باکیفیت.

۳.۳.۱. اهداف علمی و تکنیکی

- ۱- استفاده از تکنولوژی های نوین خارجی و داخلی؛
- ۲- آموزش و یادگیری نیروی کار، مهندسين و مدیران داخلی از طریق جلب خدمات مهندسی بین المللی؛
- ۳- پیاده سازی مدل های جدید مدیریتی؛
- ۴- افزایش کارآیی زیرساخت های موجود و بهبود ظرفیت تولید.

همچنین می توان به لحاظ اقتصادی اهداف انواع متنوع مناطق آزاد را همزمان بصورت اهداف خرد و کلان تعریف کرد که به لحاظ زمان و حجم کار لازم برای رسیدن به آنها از همدیگر، حداقل در ظاهر، قابل تفکیک هستند. اهدافی چون تجارت، صادرات، اشتغال، بازاریابی و جذب سرمایه های خارجی جهت جذب تکنولوژی پیشرفته، سرمایه گذاری، پرسنل ماهر و در نهایت ادغام را می توان برای این مناطق بیان کرد. به عبارت بهتر هدف نهایی مناطق

آزاد اقتصادی، ادغام اقتصاد جهانی می‌باشد. جدول (۱-۱) بر مبنای انواع مناطق آزاد، اهداف خرد و کلان متناسب با هر کدام را نیز تلخیص کرده است.

جدول (۱-۱): اهداف مناطق آزاد تجاری درمباحث نظری

هدف کلان	هدف خرد	نوع منطقه
- تبدیل استراتژی جایگزینی واردات به تشویق صادرات - تحقق یافتن استراتژی توسعه منطقه‌ای	- ایجاد فرصتهای تجاری - ایجاد منافع و عواید تجارت خارجی - ایجاد صادرات و اشتغال - جذب سرمایه‌های خارجی و تکنولوژی پیشرفته	آزاد تجاری
- تحت پوشش درآوردن برخی بخشهای قدیمی اقتصاد	- بدست آوردن نیروی کارماهر و مدیریت کارآ - ایجاد امکانات بازرگانی	آزاد صنعتی
- وسیله‌ای برای رسیدن به اقتصاد بازار	- وارد کردن صنایع تکنولوژی بالا - وارد کردن بازرگانی با تکنولوژی بالا	آزاد خدماتی
- ایجاد نظارت علمی و تکنولوژیکی در فرآیند توسعه	- تربیت نیروی انسانی با دانش بالا - ایجاد ارتباط بین منطقه آزاد با اقتصاد داخلی	آزاد علمی
- تحقق همکاری چند جانبه و ادغام - بهبود روابط بین مناطق گسترده	- گسترش رابطه منطقه با بازارهای جهانی و افزایش رقابت منطقه‌ای	آزاد جامع
- گذار به سمت ادغام منطقه‌ای	- افزایش منابع جدید استخراج شده و توسعه اقتصاد چند جانبه	آزاد چند جانبه و گسترده

مأخذ: ادبیات تحقیق

۴.۱. آیا واقعاً مشوقهای سرمایه گذاری بویژه مشوقهای مالیاتی جهت موفقیت مناطق آزاد مهم‌اند؟

در یک دسته بندی کلی، در حوزه مشوقها چهار دسته مشوق از سوی کشورها به سرمایه گذاران عرضه می شود، که عبارتند از:

الف- مشوق های مربوط به مقررات (Regulatory incentives): این مشوقها شامل مجموعه ای از مقررات زدایی های ملی و محلی جهت جذب پروژه های سرمایه گذاری در مناطق آزاد است. این مقررات زدایی ها در مناطق آزاد اغلب به صورت حذف یا کاهش فرآیندهای نظارتی است که در سرزمین اصلی بطور کامل اجرا می شوند.

ب- مشوق های مالی دولت (Fiscal incentives): این مشوقها شامل تسهیل و کاهش بار مالیاتی شرکتهای سرمایه گذاری و نیروی کار آنان است. شکلهایی مانند تعطیلات مالیاتی، نرخهای ترجیحی و اعتبارات مالیاتی جزئی از مشوقهای مالیاتی اعمال شده در مناطق هستند.

ج- مشوق های تأمین مالی (Financial incentives): مجموعه مشوقهایی که باعث افزایش سرمایه های پولی، تسهیل گردش وجوه، دسترسی به امکانات بازارهای پول و سرمایه و مواردی نظیر آنها می شود.

د- مشوق های تجارت خارجی (Foreign Trade incentives): مجموعه ای از مشوقها هستند که ورود به تجارت بین الملل را تسهیل کرده و ضمن اعطای مشوقهای صادراتی، عوارض واردات را حذف یا کاهش می دهند.

از آنجا که هدف اصلی این مطالعه، بررسی اثرات و هزینه - فایده مشوق های مالی دولت است لذا تمرکز اصلی آن بر مبانی نظری مربوط به مشوق های مالیاتی و عملکرد مناطق آزاد خواهد بود.

علی رغم تمام امتیازات و منافع خالص که بالقوه مناطق آزاد اقتصادی از آنها برخوردار بوده اند، که بسیاری از این امتیازات بصورت صریح یا ضمنی در بخشهای قبل و بطور مشخص، در تئوری های مربوط به این مناطق بیان شدند، ولی در عمل، برخی از این مناطق، بعنوان مناطق موفق و برخی دیگر، بعنوان مناطق ناموفق ارزیابی شده اند. تحقیقات قابل توجهی در علل و ریشه های این دو پدیده انجام شده و در ادبیات نظری مربوط به این مناطق وجود دارد.

برخی مواقع حتی از مناطق آزاد بعنوان مانع رشد اقتصادی هم بحث کرده اند. بعنوان مثال، فیلیپین سرمایه گذاری بسیار زیادی در زیرساختهای منطقه آزاد Battan انجام داد. بگونه ای که مقامات مربوطه، بندر را ارتقا داده و سیستمهای عرضه انرژی راه اندازی و ساختمانهای جدید درست کردند. با این وجود، این منطقه در جذب سرمایه ها و راه اندازی کسب و کار ناموفق بود و شکست سختی بر دولت تحمیل کرد (وور^{۲۸}، ۱۹۸۷ و FAB^{۲۹}، ۲۰۱۳).

برخی محققان، موفقیت یا شکست مناطق آزاد را به کیفیت زیرساختها، موقعیت جغرافیایی و اندازه مناطق نسبت می دهند (فارولی و آکینسی^{۳۰} ۲۰۱۱؛ پرادیپ و پرادیپ^{۳۱} ۲۰۰۸). بر اساس این مطالعات، جاده های بی کیفیت و عرضه غیرقابل اتکای انرژی، سرمایه گذاری خارجی را کاهش خواهد داد. همچنین، طراحی نامناسب امکانات باعث افزایش ازدحام و مشکلات اجتماعی می شود.

^{۲۸} - Warr, P. G. (۱۹۸۷).

^{۲۹} - The Freeport Area of Bataan (FAB).

^{۳۰} - Farole, T. and G. Akinici (۲۰۱۱).

^{۳۱} - Pradeep, N. and P. Pradeep (۲۰۰۸).

بر اساس تحقیق کلینگ و لتیلی^{۳۲} (۲۰۰۱) علت شکست منطقه آزاد مربوط به داکار (پایتخت سنگال) را بروکراسی زیاد، هزینه های بالای انرژی و نبود نیروی کار ارزان و کافی ذکر کرده اند. همچنین، بر پایه بحث آنها دور بودن منطقه آزاد مزبور از مرکز شهر داکار و حاشیه ای بودن آن را از دیگر موارد مؤثر در این شکست بیان کرده اند. از سوی دیگر مناطقی که بعنوان مناطق آزاد موفق مطرح شده اند از ویژگی های خاصی برخوردارند. بنابه باور فارولی و آکینسی (۲۰۱۱) مناطقی که متصل به بازار داخلی هستند و سرمایه گذاران آن نیازهای واسطه ای خود را جهت تولید از این بازارها خریداری می کنند از موفقیت بالایی برخوردارند. همچنین، این محققان بیان می کنند که موفقیت مناطق آزاد می تواند به این مسأله بستگی داشته باشد که تا چه حدی، سیاستگذاران، مناطق آزاد را برای سرمایه گذاری صنایع مناسب ایجاد می کنند. بر اساس بحث آنها زمانیکه مناطق آزاد بنگلادش شروع به آگهی برای جذب سرمایه های با تکنولوژی بالا را داد شکست خوردند و سرمایه ای وارد این مناطق نشد ولی به محض اینکه این مناطق شروع به آگهی برای جلب سرمایه گذاری در پوشاک کردند سرمایه ها به سمت آن جریان پیدا کرد.

یا محققان دیگری نظیر یوان و ادن^{۳۳} (۱۹۹۲) نزدیکی به مناطق شهری، نزدیکی به مرزها، نیروی کار ماهر و همچنین زمان مناسب برای تأسیس این مناطق را از جمله عوامل موفقیت این مناطق ذکر کرده اند. جانسون (۱۹۹۹) پیش شرطهای لازم برای موفقیت مناطق آزاد را در مواردی مانند؛ طراحی قوی و برنامه ریزی علمی، اصلاح فرآیندهای پیچیده، سیاست یکپارچه دولت و عدم سوء مدیریت و دخالت بیان می کند. فربی ماتز^{۳۴} (۲۰۰۵) در مقاله خود، منظور جانسون از سیاست یکپارچه دولت را شامل استراتژی بهبود صادرات با نرخهای ارز تعیین شده در فرآیند اقتصادی، آزاد سازی رژیم تجاری و ثبات کلان اقتصادی تفسیر می کند. همچنین، به نظر این محقق، عدم دخالت و سوء مدیریت را باید در نظارت قوی و مفید مانند فراهم کردن استانداردهای عملکرد و پرداخت سوبسیدهای هدفمند بگونه ای که اجازه رشد به بخش خصوصی داده شود، جستجو کرد.

^{۳۲} - Cling, J. and G. Letilly (۲۰۰۱).

^{۳۳} - Yuan, J. and L. Eden (۱۹۹۲).

^{۳۴} - Furby Mats. (۲۰۰۵).

برخی پژوهشگران دیگر نیز معتقدند که ممکن است که یک منطقه مستعد رشد اقتصادی بوده و علی رغم آن احتمال دارد مناطق آزاد نیز در آن تأسیس شده باشد. در این حالت، رشد شکل گرفته در این منطقه را نباید در وجود منطقه آزاد جستجو کرد (کوساگو و زاناتوس^{۳۵}، ۱۹۹۸ و مدنی، ۱۹۹۹).

حال، بر اساس مطالعات فوق، مطالعات دیگری نیز وجود دارند که با اطمینان خاطر بیشتری عنوان می کنند که مشوقهایی مانند «مشوقهای مالیاتی» به تنهایی نمی توانند در جذب سرمایه های خارجی در مناطق آزاد نقش مؤثری ایفا کنند. از جمله این مطالعات می توان به مطالعه^{۳۶} OECD و کلارک^{۳۷} (۲۰۰۰) اشاره کرد.

کلارک بحث خود را از این نقطه، شروع می کند که دلایل مختلفی وجود دارند که باعث می شوند کشورها به جذب سرمایه های خارجی علاقه مند شوند و در این فرآیند یکی از فروض اساسی این است که، داشتن یک سیستم مالیاتی رقابتی می تواند در جذب سرمایه های بین المللی نقش مؤثری در استراتژی ملی یک کشور ایفا کند. اما همزمان سیستم مالیات بر شرکتهای هر کشوری نیز وظیفه دارد که مالیات بر درآمد این اشخاص غیر مقيم را جمع آوری کرده و مانع از فرار مالیاتی آنها بشود. چنین رویکردی نیز مسلماً منجر به انتقادهای تندی در راستای آثار ضدانگیزی آن برای جذب سرمایه های خارجی خواهد شد. با این مقدمه، این تحقیق سراغ سؤال اصلی خود یعنی عوامل مؤثر بر انتخاب مکان سرمایه گذاری مستقیم خارجی می رود. در چارچوب این مطالعه، عوامل مزبور به دودسته عوامل غیر مالیاتی و عوامل مالیاتی تقسیم می شوند.

عوامل غیر مالیاتی که اغلب مشابه با عواملی است که در مباحث بالا نیز بدانها اشاره شد عبارتند از: ثبات سیاسی و ثبات محیط اقتصاد کلان، چارچوب قوانین و مقررات، دستیابی به داده ها و زیر ساختها، ثبات مدیریتی و مواردی نظایر آنها بیان شده اند.

عوامل مالیاتی نیز که اصولاً باید در یک قانون جامع و شفاف مالیاتی ذکر شده باشند می توانند در مواردی مانند:

- تعطیلات مالیاتی؛
- نرخهای ترجیحی مالیاتی؛
- نرخهای استهلاك شتابان؛
- اعتبارات مالیاتی عام و خاص (هدفگذاری شده)؛

^{۳۵} - Kusago, T. and Z. Tzannatos (۱۹۹۸).

^{۳۶} - Organisation of Economic Cooperation and Development (OECD ۱۹۹۵).

^{۳۷} - Clark, W. S. (۲۰۰۰).

- کاهش نرخ مالیات بر سهام و تشویقات مربوط به ادغام ها، بیان شوند.
 - روشن است که این معافیتها بر مبنای ساز و کارهای خاصی می توانند تصمیمات بنگاهها را تحت تأثیر قرار دهند که این سازوکارها می توانند بصورت زیر طبقه بندی شوند:
 - مشوقهایی که با نرخ صفر مالیاتی هیچ عائدی برای دولت ندارند ولی برای شرکتهای تازه تأسیس انگیزه بالایی جهت فعالیت می دهند؛
 - مشوقهایی که از کانال کاهش نرخ مالیات بر سود حاصل از سرمایه گذاریها بر تصمیمات بنگاهها تأثیر می گذارند؛
 - مشوقهایی که از کانال کاهش هزینه های بعد از مالیات، مانند کسر درصدی از هزینه های خرید ماشین آلات و مواد اولیه بر تصمیم گیریها اثر بگذارند.
 - مشوقهایی که با کاهش هزینه های بعد از مالیات، وجوه دردسترس را برای سرمایه گذاری های جدید افزایش می دهند.
- علت اصلی اینکه این مشوقها در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد با دیده شک نگریسته می شوند این است که آنها اغلب اثرات منفی و تحلیل برنده بر پایه مالیاتی دارند. (زی، اسلاسکی و لی ۲۰۰۲)^{۳۸}
- تعطیلات و معافیتهای مالیاتی که در گروه اول جای می گیرند، از منظر قوانین کشور میزبان، همواره بصورت یک معضل حاد برای آن مطرح می شود چون درآمدهای از دست رفته دولت در طول زمان، زیادتر و زیادتر می شود و ممکن است در اثر این مشوق، شرکتهای قدیمی همواره به شرکتهای جدید تبدیل شده و از معافیت مالیاتی همچنان استفاده کنند. مشکلات دیگری نیز مانند قیمت گذاری پایین انتقالات و هزینه های بوجود آمده از آن ممکن است گریبانگیر سیستم مالیاتی کشور شود.
- از اینرو، با توجه به روشن بودن ابعاد چنین مشوقی در دنیا، امروزه مسأله مهم تر در این زمینه، همکاری های بین المللی و پاسخگو بودن کردن کشورهای میزبان بخاطر فراهم کردن بهشت مالیاتی برای سرمایه گذاران خارجی است. چرا که چنین سیاستی مصداق «سیاست مضر رقابت مالیاتی»^{۳۹} قلمداد شده و امروزه کشورهایی که همکاری های اقتصادی گسترده ای با هم دارند سعی می کنند در چارچوب توافق نامه های تعیین شده ای از اتخاذ

^{۳۸} - Zee, H. H., J. G. Stotsky and E. Ley (۲۰۰۲).

^{۳۹} - harmful tax policy competition

چنین سیاستهایی اجتناب کنند. در اوایل سال ۱۹۹۶ شورای وزیران OECD سازمانی را ایجاد کردند که با چنین سیاستهای مضر مالیاتی مبارزه کنند. این نهاد، قوانین مربوط به این گونه عملکردها را تدوین کرد و در سال ۱۹۹۸ رسماً مورد پذیرش اعضا قرار گرفت.

شایان ذکر است که این سیاست به منزله مداخله در سیستم مالیاتی کشورها و مسائل اجرایی آن تلقی نمی شد. چون هر کدام از آنها سیستم مالیاتی خود را مستقلاً اداره می کردند و فقط آنچه که بیشتر از همه مهم بود این نکته بود که بنگاههایی که در کشورهای خودشان تمام خدمات دولتی را دریافت می کنند ولی بواسطه وجود بهشت های مالیاتی به سایر کشورهای دیگر رفته و با شانه خالی کردن از پرداخت مالیات به دول متبوع خود از مزایای چنین امکاناتی استفاده می کردند دیگر فرصت استفاده از چنین اجتنابهایی برایشان فراهم نمی شد و تنها فاکتوری که تعیین کننده سرمایه گذاری در یک منطقه خاص اقتصادی می شد در نظر گرفتن تمام مالیاتها، مشوقها، نرخهای ارز و هزینه های تأمین مالی در کشورهای اصلی و میزبان بود و بنگاهها با هزینه - فایده کردن تمام موارد، از جمله فاکتورهای مالیاتی و غیر مالیاتی، اقدام به انتخاب منطقه مناسب برای سرمایه گذاری می کردند. چون بر اساس این قانون همه مشوقهای مالیاتی بایستی بصورت شفاف در قوانین مالیاتی ذکر می شدند و مقام مالیاتی بعنوان تنها مقام مسئول نسبت به اجرای آنها اقدام می کرد.

بعد از مطرح شدن بهشت های مالیاتی که اغلب با نرخهای صفر مالیاتی و معافیتهای گسترده همراه هستند، نرخهای ترجیحی مالیات نیز، بعنوان یکی دیگر از مشوقهای سرمایه گذاری در مناطق آزاد، اگر چه می توانند در جذب سرمایه های خارجی مفید باشند ولی همزمان می توانند در تضعیف پایه مالیاتی از طریق برگشت سرمایه ها از کشور میزبان نقش منفی در نگهداری سرمایه های خارجی ایفا کنند. اما با کاهش در نرخهای مالیاتی و اعمال ترجیحی آنها گرچه ممکن است بخشی از پرداختی های مالیاتی بنگاهها افزایش یابد ولی از طرف دیگر این نوع مالیات باعث تغییر مجدد ساختار سرمایه^{۴۰} آنها شده و سیاستهای تأمین مالی آنها، و در نتیجه نسبت بدهی به سهام را تغییر می دهد، زیرا باعث کاهش حجم استقراض و در نتیجه افزایش انتشار سهام جدید می شود. در حالیکه اگر نرخهای ترجیحی افزایش پیدا کنند باعث افزایش استقراض بنگاه شده و معافیت مالیاتی را از کانال هزینه های قابل قبول مالیاتی در پی خواهد داشت. بنابراین، اینکه استفاده از این مشوق مالیاتی به تحلیل پایه مالیاتی کمک کند و یا باعث عدم استقبال بنگاه از مشوق شود بستگی به میزان مالیات در کشور میزبان خواهد داشت. در کشورهایی که نرخ

^{۴۰} - recapitalization

مالیات آنها بالاست بنگاهها سعی خواهند کرد که از طریق انتشاربدهی، مالیات کمتری پرداخت کرده و از آن اجتناب کنند و برعکس کشورهایی که مالیاتهای اندکی دارند آنگاه بنگاهها از طریق انتشار سهام به تأمین مالی پرداخته و همزمان از مالیات هم اجتناب خواهند کرد و به عبارت دقیق تر، نرخهای ترجیحی مالیات منجر به استفاده بنگاهها از سپردهای مالیاتی شده و از پرداخت آن اجتناب می کنند(هینز^{۴۱}، ۱۹۹۹، ص ۲۰).

اثر اعتبارات مالیاتی نیز بر اساس سیستمهای مالیاتی کشورهای مادر و میزبان می توانند بر جریان سرمایه گذاری خارجی مورد ارزیابی قرار گیرند. در این وضعیت، می توان حالتیهای مختلف را از همدیگر تفکیک کرد. دو حالت بسیار رایج آن عبارتند از: اول، حالتی که کشور مادر، از شرکت چندملیتی خود مالیات می گیرد ولی کشور میزبان نمی گیرد. دوم، حالتی که هر دو می گیرند.

اعتبار خارجی مالیاتی: در حالت دوم، کشور مادر از منبع خارجی درآمد شرکت متعلق بخود، بر اساس قانون مالیاتی خود مالیات اخذ میکند. ضمن اینکه این شرکت به کشور خارجی نیز که در منطقه آزاد آن سرمایه گذاری کرده مالیات پرداخت می کند. بعنوان مثال، اگر یک شرکت آمریکایی از سرمایه گذاری در ژاپن، ۱۰۰ دلار درآمد کسب کند و بر اساس قانون آمریکا مجبور باشد ۳۵ درصد آن یعنی ۳۵ دلار مالیات پرداخت نماید چون این شرکت بر اساس قانون ژاپن، بعنوان مثال، ۱۰ درصد مالیات پرداخت کرده است لذا دولت آمریکا فقط ۲۵ دلار برای این شرکت بدهی مالیاتی منظور خواهد کرد.

بطور کلی، اگر مالیاتی که شرکت چند ملیتی به کشور میزبان پرداخت می کند بیش از بدهی مالیاتی آن به کشور اصلی باشد اصطلاحاً به آن «مازاد اعتبار مالیاتی خارجی» و اگر کمتر از آن باشد «کسری اعتبار مالیاتی خارجی» گفته می شود. یعنی در مثال فوق، اگر مالیاتی که شرکت آمریکایی به دولت ژاپن پرداخت کرده بیش از ۳۵ دلار باشد شرکت مازاد اعتبار مالیاتی خارجی دارد ولی اگر کمتر از آن باشد کسری اعتبار مالیاتی خارجی دارد.

به لحاظ نظری، هر چقدر اعتبار مالیاتی کشور مادر برای شرکتهای خود بزرگتر باشد انتظار می رود که سیستم مالیاتی کشور میزبان اثر چندان معنی داری بر جریان سرمایه به آن کشور نداشته باشد. یعنی؛

$$FDI = f(\tau_{hs}, L(\tau_{hm} - \tau_{hs}), X)$$

سرمایه گذاری در مناطق آزاد تابعی است از مالیات کشور میزبان (τ_{hs})، مازاد اعتبار مالیاتی یا اختلاف بین مالیات کشور مادر با کشور میزبان ($L(\tau_{hm} - \tau_{hs})$) (اپراتور تابع معکوس)، و عوامل غیر مالیاتی (X).

^{۴۱} - Hines Jr. James.R.(۱۹۹۹).

این معادله، در مطالعات مختلف و به اشکال گوناگون تابحال تصریح شده و مورد برآورد قرار گرفته است اما نکته‌ای که وجود دارد اینکه نتیجه صریح و متقنی از علامت متغیرها و معنی داری آنها گزارش نمی شود. به عبارت دقیق تر، ادبیات تجربی نشان می دهد که مشوقهای بین المللی سرمایه گذاری نقش بسیار محدودی در جذب سرمایه گذاری های خارجی دارند و سایر عوامل غیرمالیاتی اهمیت بیشتری برای جذب سرمایه گذاران خارجی دارند. لذا یکی از پیشنهادات این مطالعات به کشورهای درحال توسعه، این است که برای جذب سرمایه های خارجی نیازی به پیشنهاد مشوقهای مالی ندارند (ماگنوس بلوم استرم^{۴۲}، ۲۰۰۱، صص: ۱۶۸-۱۶۹).

در یک بیان کلی می توان اینگونه اشاره کرد که مشوق های مالی و مالیاتی دولت در همه کشورهای اثرات معنی دار بر عملکرد مناطق آزاد نداشته اند و به همین دلیل معمولاً محققان یک نظر واحدی مبنی بر اثرگذاری آن در یک جهت (مثبت یا منفی) ندارند. با تأمل در ارتباط بین مشوق های مالیاتی و انگیزه های سرمایه گذاری در مناطق آزاد و سایر مناطق تجاری، محققانی مانند بارتیک^{۴۳} (۱۹۹۱) و جی^{۴۴} (۱۹۹۵) رابطه مثبت بین مشوق های مالیاتی و سرمایه گذاری را بیان می کنند. بویژه بنا به باور آنها انگیزه های مالیاتی در مناطقی که بیکاری بالاست احتمالاً مؤثر بر هزینه ها بوده و فعالیتهای اقتصادی را افزایش می دهد. اما در مقابل، پژوهشگرانی مانند فیشر و پتر^{۴۵} (۱۹۹۸) و گروس و فیلیپس^{۴۶} (۱۹۹۹) وجود چنین ارتباطی را زیر سؤال برده و قائل به ارتباط معنی دار بین این مشوقها و انگیزه های سرمایه گذاری در مناطق نیستند.

بر اساس مباحث فوق، در پایان این بخش از بحث، باید تکلیف به دو سوال، پاسخ داده شود. نخست اینکه در ذهن سرمایه گذاران خارجی مشوقهای مالیاتی در درجه چندم اهمیت قرار دارند و دوم اینکه منظور از واژه موفقیت در کارکرد مناطق آزاد چیست و جایگاه مشوقها در این بحث کجا مشخص می شود.

از منظر درجه اهمیت، آنکتاد^{۴۷} (۲۰۰۰) در تحلیل خود به این نکته اساسی اشاره می کند که در تصمیم گیری های جهانی، سرمایه گذاران دو گام را برای سرمایه گذاری طی می کنند: در گام اول، آنها کشورها و مناطق را از نظر زیرساختهای پایه ای مانند اندازه بازار، دسترسی به مواد خام، دسترسی به نیروی کار ماهر و مواردی نظیر آنها مورد ارزیابی قرار می دهند و اگر این موارد با چالش هایی جدی مواجه نبودند گام دوم را برداشته و موضوعاتی مانند

^{۴۲} - Blomstrom, Magnus. (۲۰۰۱).

^{۴۳} - Bartik, T. (۱۹۹۱).

^{۴۴} - Ge, W. (۱۹۹۵).

^{۴۵} - Fisher, P. S. and A. H. Peters (۱۹۹۸).

^{۴۶} - Gross, E. P. and J. M. Phillips (۱۹۹۹).

^{۴۷} - United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD ۲۰۰۰).

مجموعه ای از مشوقهای سرمایه گذاری مدنظر آنها قرار می گیرد. اما روشن است که تغییر و برجسته سازی موضوعات دسته دوم از طرف دولتها به مراتب ساده تر از موارد دسته اول باشد و چه بسا سرمایه گذاران خارجی موقتاً وارد منطقه شوند تا از مزایای فراهم شده برای آنها که اغلب از بهره وری بالایی نیز برای اقتصاد ملی برخوردار نیستند، استفاده کنند.

از منظر مفهوم موفقیت نیز باید توجه کرد که منظور از واژه « موفقیت » یک مفهوم کاملاً روشن و مورد قبول همه نیست. بلکه یک واژه نسبی بوده و تعاریف و سنجه های متفاوتی می تواند از آن وجود داشته باشد. بعنوان مثال، فیاس (۲۰۰۸) و آگراوال^{۴۸} (۲۰۰۷) شاخصهایی مانند رشد اشتغال، صادرات، تولید و FDI را در دوره فعالیت مناطق آزاد با قبل یا در دوره های مختلف فعالیت آنها با هم مقایسه کرده و میزان موفقیت مناطق آزاد را تشریح می کنند.

با اینحال، وجود فعالیت اقتصادی در مناطق، لزوماً بیانگر موفقیت این مناطق و مثبت بودن خالص منافع آنها برای اقتصاد نیست. چراکه ممکن است این کسب و کار، در سایه انتقال حجم عظیمی از منابع دولت بصورت بودجه و یا اعطای سوبسیدها یا صرف نظر کردن از درآمدهای مالیاتی راه افتاده باشد. چه بسا این اقدام دولت مانع از شکل گیری یک استراتژی مناسب برای رشد اقتصادی باشد و بهتر بود در جای دیگری از اقتصاد صرف می شد. (چادوری و یابوچ^{۴۹} ۲۰۱۰)

۵.۱. بحث تکمیلی پیرامون موفقیت یا عدم موفقیت مناطق آزاد و جایگاه مشوق ها

اگر این گزاره که «برای موفق بودن مناطق آزاد باید در هر منطقه، صنعت مناسب آن ایجاد شود» زمینه را برای شکل گیری یک سؤال کلی فراهم می سازد، با این مضمون که، این صنعت درست را چه کسی باید تعیین بکند؟ چه کسی باید تعیین بکند که فلان منطقه خاص باید زیرساختهای جاده ای و فرودگاهی داشته باشد تا منطقه آزاد در آن تأسیس شود؟

^{۴۸} - Aggarwal, A. (۲۰۰۷).

^{۴۹} - Chaudhuri, S. and S. Yabuuchi (۲۰۱۰).

در جواب چنین سؤالاتی گفته می شود که سیاستگذاران هستند که بایستی سیاست مناسب را برای این مناطق اتخاذ کنند و هم آنان هستند که باید انگیزه لازم را داشته باشند که این سیاستها را اجرا کنند (موبرگ لوتا^{۵۰}، ۲۰۱۴). اینجاست که آنان نیاز به حل دو مسأله اصلی دارند: مسأله دانش^{۵۱} و مسأله انگیزه ها^{۵۲}.

در یک دنیای ایده آل، سیاستگذاران، فقط ماکزیمم کننده رفاه اجتماعی هستند. آنها با فرض داشتن اطلاعات و دانش کامل، سیاستهای بهینه اقتصادی را پیدا کرده و در اجرای آنها لحظه ای تردید نمی کنند. در این دنیای ایده آل، سیاستگذار فقط موقعی اقدام به ایجاد مناطق آزاد خواهد کرد که آنرا بهترین سیاست فعلی تشخیص دهد و سیاست دیگری غیر از آن سیاست برای افزایش رفاه اقتصادی جامعه وجود نداشته باشد.

حال اگر این فروض یعنی ماکزیمم کننده رفاه بودن سیاستگذار و دانش کامل وی کنار گذاشته شود آنگاه ممکن است تحلیل مربوط به موفقیت یا عدم موفقیت این مناطق، به نتایج دیگری منجر شود. مبانی اولیه این نوع تحلیل های کلی در کار محققانی مانند بوتکه و لسن^{۵۳} (۲۰۰۴) و پنینگتون^{۵۴} (۲۰۱۱) دیده می شود.

۱,۵,۱. مسأله دانش

در سیستمهای سیاسی غیر فدرال دولتها معمولاً هم قدرت و هم مسئولیت تأسیس ابزارهای رشد مانند مناطق آزاد را دارند. اگر فرض بر این باشد که در طراحی مناطق آزاد، دولتها مطلع هستند که کدام ساختار تولید برای چه منطقه ای مناسب است، آنگاه کارآترین تصمیم را اتخاذ کرده و مناسب ترین منطقه را تأسیس خواهند کرد. اما مسأله این است که حتی با فرض اینکه دولتها ماکزیمم کننده رفاه اجتماعی هستند ولی دانش لازم برای اتخاذ تصمیم مناسب را ندارند. به بیان دیگر، این دانش و اطلاعات در همه اعماق جامعه پراکنده است. این اطلاعات نوعی از دانستنی ها هستند که کارآفرینان و سرمایه گذاران در طول سالها فعالیت خود در این حرفه بدست آورده اند و در قالب مجموعه پایه ای از اطلاعات، بسادگی قابلیت انتقال به سایرین را ندارند (هایک، ۱۹۴۵ به نقل از موبرگ لوتا ۲۰۱۴). یعنی، فاصله بین سیاست گذار و افراد فعال در بازار، یکی از ریشه های مشکل دانش در سیاستگذاری است. بنابراین، هر چه سیستمها بیشتر سیاسی باشند به همان میزان مشکل دانش، برجسته تر است. این مشکل،

^{۵۰} - Lotta Moberg (۲۰۱۴).

^{۵۱} - Knowledge problem.

^{۵۲} - Incentive problem.

^{۵۳} - Boettke, P. J. and P. T. Leeson (۲۰۰۴).

^{۵۴} - Pennington, M. (۲۰۱۱).

سیاستگذاران را از تکنولوژی ها و ابزارهای نوین بی اطلاع گذاشته و در جریان تولید و تخصیص منابع اثر خواهد گذاشت.

بنابراین، از منظر نهادی، مناطق آزاد ناموفق ابزارهایی هستند که به شدت از مسأله دانش سیاست گذار تأثیر منفی پذیرفته و بد طراحی می شوند. البته، طراحان مناطق آزاد ممکن است محدودیت توانایی خود را برای تعیین درست جغرافیای منطقه تشخیص هم بدهند ولی اقدام چندانی نمی توانند در این مرحله داشته باشند. در این حالت حتی ممکن است هرگونه سرمایه گذاری در این مناطق، سود آور هم باشد و مالیاتهای اندک هم فعالیتهای اقتصادی را به آن مناطق بکشانند ولی همه آنها لزوماً به مفهوم تخصیص بهینه منابع، تلقی نمی شود و اقتصاد منتفع نمی شود. جهت منتفع شدن اقتصاد، بایستی سیاستگذاران دولتی، دید وسیع تر و اطلاعات بیشتری نسبت به فعالان بخش خصوصی داشته باشند. اما چون این حالت به ندرت اتفاق می افتد، لذا هرگونه دخالت دولت در اقتصاد از طریق منابع عمومی، بصورت ناخواسته ممکن است عواقب زیانباری داشته باشد و به رشد اقتصادی اندکی هم دست پیدا کند (ایکدا^{۵۵}، ۲۰۰۵، کیرزرنر^{۵۶} ۱۹۸۵).

جهت حل چنین مشکلی، مقامات تصمیم گیر نیاز به نزدیک تر شدن به افرادی را دارند که اطلاعات دقیق تری در این زمینه دارند. در حالت عدم توانایی در تشخیص درست جغرافیا و ترکیب صنایع موجود در آن، دولتها بایستی تصمیم گیری در این خصوص را به کسانی واگذار کنند که اطلاعات لازم در این زمینه را دارند. دو راهکار در این زمینه می تواند وجود داشته باشد: واگذاری امور مناطق به بخش خصوصی، تمرکز زدایی در تصمیم گیری سیاسی و واگذاری آن به استانها و مناطق.

در حالت واگذاری به بخش خصوصی، این بخش می تواند در انتخاب منطقه مورد نظر آزاد باشد یعنی در این حالت حتی با یک بنگاه هم ممکن است شرایط منطقه آزاد وجود داشته باشد که به مناطق تک بنگاهی^{۵۷} تنزل می یابند و از آن تعریف مرسوم مناطق آزاد دور می شوند (اتفاقی که در کشورهایی مانند موریتانی، فیجی، توگو، سنگال، کامرون، نیجریه، کنیا و هندراس افتاده است). یا می توانند در انتخاب نوع صنعت، درست تصمیم گیری کنند. در این حالت، برنامه ریزان می توانند با انتخابهای سرمایه گذاران، بیشتر اطلاعات کسب کرده و در برنامه های خود تجدیدنظر کنند. به بیان دیگر، اگر واقعاً منطقه پتانسیل لازم برای سرمایه گذاری را داشته باشد می توانند از بخش خصوصی بخواهند که هزینه زیرساختها را خود پرداخته و یا حداقل در آن مشارکت داشته باشند که در

^{۵۵} - Ikeda, S. (۲۰۰۵).

^{۵۶} - Kirzner, I. M. (۱۹۸۵).

^{۵۷} - Single-firm zone

حالت اول منطقه را « منطقه خصوصی » و در حالت دوم، « مدل خصوصی - دولتی » می نامند. در مقایسه با مناطق دولتی، مناطق خصوصی عملکرد بهتری داشته اند (فیس، ۲۰۰۸).

راهکار دوم یا همان تمرکززدایی سیاسی و دادن اختیارات بیشتر به دولتهای محلی نیز می تواند از انحراف تأسیس مناطق جلوگیری کرده و منجر به تخصیص های بهینه شود. البته این راهکار به شرطی موفق خواهد بود که دولتهای محلی نیز از کفایت تصمیم گیری لازم برخوردار بوده و توانایی تحلیل صحیح شرایط را داشته باشند. بعنوان مثال، امارات متحده عربی یکی از نمونه های موفق در این زمینه است که تصمیم گیران منطقه ای آن شرایط منطقه ای و نیازهای خود را بدرستی تشخیص دادند و شرکتهایی که فعلاً در چارچوب قوانین دست و پا گیر بودند با اصلاحات لازم انگیزه دو چندان برای فعالیت پیدا کردند (استرانگ و هیمبر^{۵۸}، ۲۰۰۹).

در سیستمهای غیر متمرکز سیاسی هر منطقه آزاد ممکن است بر اساس یک مدل خاص اداره شود و مقامات آن می توانند سیاستها و روشهای مختلفی را از مناطق دیگر کپی برداری کرده و اجرا نمایند. در این سیستم، اگر یک منطقه آزاد عملکرد بدی داشته باشد فقط همان منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و لزوماً سایر مناطق متأثر از آن نخواهند شد.

۲,۵,۱. مسأله انگیزه ها

حل مسأله دانش فقط یک گام به سمت ایجاد مناطق آزاد کارآ بود و یا به عبارتی شرط لازم برای رسیدن به هدف تلقی می شد. اما شرط کافی این است که انگیزه های گاهاً متناقض نیز بعنوان چالشی در راه شکل گیری چنین مناطقی نباشد. مانند هر ابزار دیگری، مناطق آزاد نیز ممکن است فرصتهای رانت جویی را برای همه طرفین فراهم آورد. این رانت جویی هم برای مقامات مسئول و هم برای سرمایه گذاران می تواند صدق کند. مطرح شدن مسأله انگیزه ها این فرض را که دولت صرفاً به رفاه اجتماعی و ماکزیمم کردن آن می اندیشد نقض کرده ولذا دولت یا مقام دولتی هم می تواند به لحاظ نظری حداکثرکننده منافع شخصی خود باشد. به بیان دقیق تر، اگر زمینه های نهادی به طرز صحیحی چیده شده باشند حتی یک مقام ماکزیمم کننده منافع شخصی نیز در مسیر بهبود رشد اقتصادی گام برخواهد داشت. ولی اگر این زمینه های نهادی، غلط چیده شده باشند مسئول سیاسی صرفاً اهداف شخصی خود را از ایجاد چنین مناطقی دنبال خواهد کرد و انگیزه های رانت جویی وی بالا خواهد بود.

^{۵۸} - Strong, M. and R. Himber (۲۰۰۹).

این مسأله برای سرمایه گذار نیز صادق است. اگر مجموعه وسیعی از سوبسیدها، معافیتها، وامها و منابع ارزان قیمت در اختیار آنها قرار داده شود آنها نیز در مسیر درست شخصی خود که همانا استفاده حداکثری از این امکانات باشد را پیش خواهد گرفت و با ایجاد کسب و کار مربوط یا نامربوط در منطقه به هدف فردی خواهد رسید اما اینکه کل اقتصاد از این اقدام وی منتفع خواهد شد یا خیر، بستگی به ارزیابی های بعدی خواهد داشت که معمولاً زیان اینگونه انگیزه ها بیشتر از منافع آنها بوده است.

در چنین فضایی، مقامات محلی و نماینده دولت در مناطق ممکن است به شدت بر سر منافع حاصل از مدیریت مناطق با همدیگر تضاد داشته و یک نوع بلاتکلیفی را برای سرمایه گذاران بوجود آورد. از اینرو، تعریف سیستم غیرمتمرکز سیاسی با فرآیندهای شفاف می تواند اندکی از عواقب زیانبار انگیزه های بد جلوگیری کند. راهکار دیگر برای حل این مسأله حرکت به سمت «مناطق آزاد خصوصی» است که هم مشکل دانش و هم مشکل انگیزه ها را می تواند رفع کند.

۶.۱. خلاصه فصل

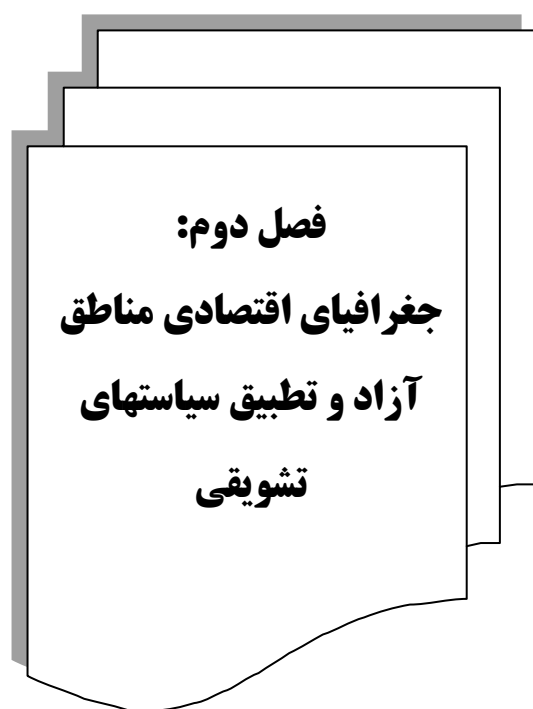
در این فصل، مقدمه ای از سؤال اصلی این گزارش کاری یعنی مشوقهای مالی و مالیاتی و مناطق آزاد ارائه شد. سپس برای داشتن تصویری صحیح از سیر تحولات مناطق آزاد در طول زمان و همچنین در مناطق مختلف دنیا به بیان جزئیات شکل گیری این مناطق در دنیا پرداخته شد. سیر تحولات تاریخی، نشان می دهد که دولتها این نوع مناطق را نه بعنوان صرفاً یک انتخاب بلکه بعنوان یک ضرورت پذیرفته اند. بویژه از دهه ۱۹۷۰ و با فروپاشی نظام کنترل سرمایه ها این ابزار رشد بسیار سریعی در همه مناطق دنیا داشته است.

نکته قابل ذکر دیگری که در این فصل به آن پرداخته شد بده-بستان بین نظریه و تجربه در بسط مناطق آزاد در دنیا بود. بگونه ای که این مناطق به لحاظ نظری در چارچوب تئوری های نئوکلاسیکی و مدلهای رشد توانسته اند پشتیبانی نظری خود را نیز فراهم آورند. هرچند در ابتدا، نظریه ها چندان به اثرات رفاهی این ابزار چندان خوشبینانه نگاه نمی کردند اما با تصحیح فروض حاکم بر این مدلها به تدریج نظریه ها نیز تکمیل تر شده و با تیزبینی بیشتری این ابزار را تحلیل کرده اند.

یکی از نکات بسیار مهمی که در این فصل، بعنوان حقایق آشکار شده مورد بررسی قرار گرفت جایگاه مشوقهای مالی و مالیاتی جهت جذب سرمایه های بین المللی بود که ادبیات تجربی موجود در این زمینه، ضمن اینکه این

متغیرها را بعنوان یک متغیر تعیین کننده وارد مدلهای خود می کنند ولی آنچه که در نهایت مورد تأکید آنها قرار می گیرد، نه این متغیرها و مشوقها بلکه عوامل غیرمالیاتی می باشند.

بحث دیگری که در این فصل و در راستای بررسی نقش مشوقها، به دقت مورد بحث قرار گرفت این بود که در ارزیابی مناطق آزاد چه عواملی بعنوان دلایل موفقیت و چه عواملی بعنوان نتایج موفقیت این مناطق باید ذکر شوند. ما در این فصل بیان کردیم که دلایل موفقیت می تواند در داشتن دانش مقامات سیاسی و انگیزه های آنها از ایجاد مناطق آزاد باشد و مواردی مانند شغالهای ایجاد شده یا جذب سرمایه گذاری از نشانه های موفقیت یک منطقه آزاد می توانند باشند که اگر تداوم داشته باشند می توانند به نفع اقتصاد نیز تمام شوند. در غیر اینصورت و با وجود نقص در دانش و کژگزینی انگیزه ها حتی ممکن است اشتغال ایجاد شود ولی حجم عظیمی از منابع درآمدی دولت به شکل معافیت های مالیاتی، هدر رود.



مقدمه

طی نیم قرن گذشته، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و نوظهور، با هدف جذب سرمایه های خارجی اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری در داخل سرزمین های اصلی خود کردند. هر چند این اقدام آنها متأثر از شکل پیشرفته تأسیس مناطق آزاد در چارچوب الگوهای چندجانبه و فرامرزی بود، اما همانگونه که در فصل قبل نیز اشاره شد، یکی از مواردی که باعث موفقیت مناطق آزاد در رسیدن به اهداف آن می شود، ساختار دولت و یا دولتهایی است که منطقه متعلق به آنها است. دولتهای با مسئولیت پذیری بالا، کارآیی مطلوب، انعطاف پذیری مناسب، علاقه و تمایل خوب، وظیفه دارند در منطقه آزاد با برنامه ریزی، اجرا و هماهنگی مسائل مربوطه، اهداف تعیین شده را به بهترین نحو ممکن و بصورت هدفمند دنبال کنند. یکی از این اقدامات هوشمندانه ارائه بسته های تشویقی و حمایتی حساب شده و برخورداری از توجیه اقتصادی است که در قوانین مناطق آزاد پیش بینی می شوند.

در این فصل، جهت درک بهتر جایگاه مناطق آزاد در پیشبرد اهداف رشد و توسعه اقتصادی کشورها ابتدا توزیع جغرافیایی این مناطق مورد بررسی قرار گرفته و سپس سیاستهای تشویقی کشورهای مختلف با هم مقایسه خواهند شد.

۱.۲. توزیع جغرافیایی مناطق آزاد در دنیا

علی رغم اینکه سیاستهای تشویقی کشورها بویژه در حوزه مالیاتها در اغلب کشورها تأثیر معنی داری بر گسترش و جذب سرمایه های خارجی نداشته اند اما با نگاهی به آمار و تعداد مناطق آزاد در جهان، نقش مهم این مناطق در تجارت و ادغام اقتصاد جهانی مشخص می شود. در سال ۱۹۰۰، فقط ۱۱ بندر آزاد در چند کشور اروپایی و آسیایی وجود داشت. در سال ۱۹۷۵، ۲۵ کشور کمتر توسعه یافته، ۷۹ منطقه آزاد به راه انداختند، در سال ۱۹۸۶ این تعداد به ۴۷ کشور و ۱۷۶ منطقه آزاد رسید. مطالعات اخیر نشان می دهند که در دهه ۱۹۹۰ بیش از ۱۰۰۰ منطقه آزاد با انواع مختلف در ۹۰ کشور جهان فعالیت می کردند. بگونه ای که کل تجارت جهان از ۷/۷٪ در سال ۱۹۷۲ به حدود ۲۰٪ در سال ۱۹۸۵ و به حدود ۳۰ درصد در اوایل دهه ۱۹۹۰ رسیده بود. رشد تعداد مناطق آزاد در قرن بیست و یکم نیز ادامه پیدا کرده و در ۲۰۱۴ میلادی از مرز ۳۵۰۰ منطقه فراتر رفته است (ILO, ۲۰۱۴). این آمار و ارقام بیانگر نقش فزاینده این مناطق در اقتصاد جهان می باشد. جدول (۱-۲) سیر تحولات این مناطق را به لحاظ تعداد و موقعیت جغرافیایی آنها نشان می دهد.

جدول (۱-۲): توزیع جغرافیایی مناطق آزاد در جهان: (برآوردی)

قاره - سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۴	۲۰۰۳	۲۰۱۴
آمریکا	۱۰	۶۲	۱۸۳	۲۹۵	۷۱۳
اروپا	۵۰	۹۰	۹۳	۱۵۰	۷۴
آفریقا	۱۰	۵۵	۴۳	۶۹	۱۵۵
خاورمیانه	۲	۲۵	۲۷	۳۷	۵۰
آمریکای لاتین	۴۰	۹۵	۹۷	۱۶۳	۲۵۰
کل دنیا (مناطق فوق بعلاوه سایر مناطق)	۱۲۷	۳۶۲	۵۲۶	۸۵۳	۳۵۰۰

Source: ILO, Trade Union manual on Export Processing Zones, ۲۰۱۴

ILO – International Labor Organization (۲۰۰۷). Database on Export Processing Zones (Revised), Working Paper ۲۵۱, Geneva, Switzerland: International Labour Office.

بر اساس جدول (۱-۲) کشورهای در حال توسعه نسبت به توسعه یافته ها بیشتر از ابزار مناطق آزاد برای جلب سرمایه های خارجی استفاده می کنند. این گفته با مقایسه تعداد این مناطق در اروپا و سایر مناطق دنیا کاملاً مشهود است.

۲.۲. مقایسه تطبیقی برخی سیاستهای تشویقی مناطق آزاد ایران و کشورهای موفق

در ادامه، به وضعیت مناطق آزاد تجاری در برخی از کشورها و سیاستهای تشویقی اتخاذ شده اشاره می شود.

۱.۲.۲. چین

در چین حدود ۱۵ منطقه آزاد تجاری و صنعتی وجود دارد. کشور چین با ایجاد مناطق آزاد و با تغییر قوانین و مقررات در راه جذب سرمایه گذاری خارجی و ایجاد فضای مناسب توسعه از تکنولوژی توانسته است با سرعت بیشتری فضای درونی اقتصاد ملی را تغییر دهد و قوانین و مقررات و سیاست کلی اقتصادی را با شرایط اقتصاد جهانی هماهنگ و هم جهت سازد.

مناطق ویژه اقتصادی چین در چهار گروه مناطق توسعه اقتصادی و فناوری، مناطق پردازش صادرات، مناطق محصور و مناطق توسعه صنایع دارای فناوری بالا تقسیم بندی می شوند.

- سیاستهای انگیزشی در نظر گرفته شده در مناطق چهارگانه ویژه اقتصادی چین بطور خلاصه به قرار زیر است:^{۵۹}
- در هر چهار نوع منطقه ویژه چین معافیت مالیاتی دو ساله، و تخفیف ۵۰ درصدی سه ساله برقرار است. برای بنگاه‌های بکار برنده فناوری سطح بالا سه سال دیگر تخفیف ۵۰ درصدی در نظر گرفته شده و برای بنگاه‌های صادرات‌گرا از زمانی که ارزش صادراتشان از ۷۰ درصد بیشتر شود نرخ مالیات ۱۰ درصدی اعمال می‌شود (۵ درصد کمتر از نرخ معمول).
 - مناطق محصور و پردازش صادرات از عوارض و مالیات بر ارزش افزوده تجهیزات مدیریتی و اداری و مواد خام وارداتی معاف هستند. در دو منطقه دیگر این معافیت ویژه بنگاه‌های صادرات‌گرا است.
 - صادرات کالاهای تولیدی از این مناطق و ورود کالاهای سرمایه‌ای بدون هیچ گونه اخذ عوارض گمرکی انجام می‌شود.
 - فروش داخلی تولیداتی که از مواد خام وارداتی استفاده کرده‌اند در مناطق محصور با پرداخت مالیات بر اساس مواد خام وارداتی و در سه منطقه دیگر با پرداخت مالیات به عنوان کالای نهایی امکان پذیر است.
 - استرداد مالیاتی (ارزش افزوده) برای کالای نهایی ساخته شده از مواد داخلی در مورد مناطق پردازش صادرات پس از ورود مواد به منطقه و در مورد سه منطقه دیگر در صورت خروج کالا از قلمرو چین امکان پذیر است.
 - ضمانتنامه بانکی در مناطق محصور و پردازش صادرات لازم نیست؛ اما در دو منطقه دیگر لازم است.
 - استرداد مالیاتی برای سرمایه‌گذاری مجدد در مناطق توسعه اقتصادی و فناوری و مناطق توسعه صنایع دارای فناوری سطح بالا ۴۰ درصد و برای بنگاه‌های صادرات‌گرا و کاربران فناوری سطح بالا بطور کامل است.
 - استفاده از نیروی انسانی خارجی، آزاد اعلام شده است.
 - از سال ۱۹۸۸ سرمایه‌گذاران خارجی در چین ضمن معاف بودن از مالیات بر درآمدهای محلی، فقط مشمول مالیات بر درآمدی معادل ۱۵ درصد تولید، تجارت و سایر درآمدهای خویش هستند. در مناطق ویژه تسهیلات مالیاتی بشکلی است که مالیات بر درآمد شرکتها نصف نرخ معمول تعیین می‌شود. برای موسساتی که ۷۰ درصد تولیداتشان صادر می‌شود، این نرخ کمتر خواهد بود. معافیت مالیاتی کامل تا دو سال منظور

^{۵۹} - مناطق آزاد تجاری و صنعتی ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور آسیایی

شده و در شرایطی که این موسسات در مناطق ویژه به انتقال دانش فنی اقدام کنند، معافیت مالیاتی دیگری برای مقادیر درآمد سالانه کمتر از ۳۰ هزار یوآن نیز اختصاص داده شد.^{۶۰}

- از نظر سرمایه‌گذاری نیز، سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران خارجی به راحتی می‌توانند به خارج از چین فرستاده شود و چنین سودی از مالیات بر درآمد وجه ارسالی معاف است. سرمایه‌گذاران خارجی در چین می‌توانند به هر نسبتی در طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کنند و در صورت ملی شدن سرمایه‌ها، دولت متعهد به پرداخت غرامت است.^{۶۱}

شایان ذکر است که در مناطق آزاد کشور چین نیز اگر چه ابتدا دولت شروع به ایجاد و تاسیس مناطق کرده، اما در ادامه بخش خصوصی این کشور گامهای بعدی را برای گسترش و توسعه برداشته است. به عبارت دیگر مناطق آزاد اقتصادی با ساختار دولتی (Government – Oriented Model) با ورود شرکتهای خصوصی به مدل ترکیبی (Mixed-Model) در ساختار مناطق تغییر کرد و در حال حاضر بیشتر این مناطق به صورت مدل خصوصی (تجارتی) بدون کمیته دولتی (Enterprise-Oriented Model) اداره می‌شوند.

۲,۲,۲. امارات متحده عربی

کشور امارات متحده عربی دارای ۳۰ منطقه آزاد با اهداف و کارکردهای متفاوت است که بیشترین تعداد این مناطق در شهر دبی قرار دارد. مناطق آزاد امارات قوانین آسانی را به منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم آورده است. برخی از ویژگی‌های اصلی مناطق آزاد امارات متحده عربی عبارتند از:

- مالکیت ۱۰۰ درصد برای سرمایه‌گذاری خارجی
- ۱۰۰ درصد معافیت مالیاتی صادرات و واردات
- تضمین ۱۰۰ درصد بازگشت سرمایه و سودهای متعلقه
- معافیت از پرداخت مالیات بر شرکت‌ها به مدت ۱۵ سال و قابل تجدید برای ۱۵ سال دیگر
- معافیت از مالیات بر درآمد
- همکاری و مساعدت در مورد استخدام نیروی کار و خدمات حمایتی مانند مسکن

^{۶۰}- مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۵.

^{۶۱}- همان

- یک مقام مسئول مستقل منطقه آزاد تجاری به تنهایی منطقه آزاد را اداره می‌کند و دفتر نمایندگی، مسئول صدور مجوز فعالیت‌ها و ارائه‌دهنده کمک به شرکت‌هایی است که فعالیت خود را در آن منطقه آغاز می‌کنند.

منطقه آزاد جبل‌علی نیز دارای مزایایی است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- عدم نیاز شرکت‌های خارجی به داشتن ضامن داخلی و امکان مالکیت ۱۰۰ درصد شرکت‌ها
- قابلیت دسترسی به بازار بزرگ خاورمیانه
- دسترسی به بازارهای منطقه در کمتر از ۲۴ ساعت
- دسترسی به بنادر منطقه در کمتر از ۴۸ ساعت
- دارای امکانات تاسیساتی جهت نگهداری از کالاهای فاسدشدنی
- قابلیت انتقال ارز به هر منطقه از جهان
- انجام سریع مراحل ثبت شرکت در مدت یک هفته و ورود به مرحله اجرایی
- پیروی کلیه اقدامات اداری جهت ثبت شرکت، اخذ ویزای اقامت، جست‌وجوی محل اقامت و...
- پیروی از خط‌مشی آزادی کامل مبادلات بین‌المللی و فقدان کنترل‌های ارزی.

۳,۲,۲. وضعیت زیربنای مادی و اجتماعی مناطق کشورهای چین و امارات و مقایسه آن با ایران در سال آغازین

برای مقایسه نقش زیرساخت‌هایی مانند بندر، راه، فرودگاه، برق و ... در شروع فعالیت مناطق آزاد، در جدول (۲-۲) خلاصه‌ای از وضعیت زیرساخت‌های مزبور برای مناطق آزاد کشورهای چین و امارات بعنوان نمونه‌های موفق در جهان ارائه شده است. سپس برای مقایسه بهتر، همان شاخص‌ها برای مناطق آزاد ایران نیز در سال اول فعالیت آنها مورد اشاره قرار داده شده که در جدول (۳-۲) خلاصه گردیده است.

جدول شماره (۲-۲): وضعیت سرمایه‌گذاریهای زیربنایی مناطق آزاد منتخب در ابتدای سال فعالیت

شرح	شیامین (چین)	های نان (چین)	جبل علی (امارات)
بندر	۷۳ اسکله و ۶۰ بندر با قابلیت پذیرش کشتی های ۱۰۰ هزار تنی	۱۱۲ اسکله و ۲۴ بندر با ظرفیت ۱۰ میلیون تن	۳ پایانه دریایی با ظرفیت پذیرش هرنوع کشتی
راه	متصل به خط راه آهن سراسری چین و مجهز به بزرگراههای متعدد	۷ هزار کیلومتر بزرگراه ترانزیتی و شهری	وجود بزرگراه ها
فرودگاه	فرودگاه بین المللی	فرودگاه با ۲۷۰ پرواز داخلی و خارجی در هفته	فرودگاه بین المللی اختصاصی و فرودگاههای حاشیه
برق	کاملاً تامین شده است	کاملاً تامین شده است	کاملاً تامین شده است
آب	کاملاً تامین شده است	کاملاً تامین شده است	کاملاً تامین شده است
مخابرات	سیستم مخابراتی پیشرفته ماهواره ای و نوری با قابلیت تماس با ۲۱۰ کشور جهان	امکانات پیشرفته مخابراتی فراهم شده است	دارای تجهیزات مخابراتی بسیار پیشرفته
مسکن	موجود (توسط شرکتهای خصوصی)	موجود (توسط شرکتهای خصوصی)	پروژه های عظیم توریستی مسکونی
انبار	موجود در تمام بنادر	موجود	۴۸ هزار مترمربع انبار ۴۲ هزار مترمکعب سردخانه
گمرک	مستقر در منطقه	مستقر در منطقه	اختصاصی در منطقه
هتل	اطلاعات موجود نیست	۱۹۵ هتل با درجه بندی متفاوت	بسیار پیشرفته و گسترده
بیمارستان	۱۷ بیمارستان	اطلاعات موجود نیست	دارای امکانات وسیع و گسترده
دانشگاه	۸ موسسه آموزش عالی و ۵۰۲ موسسه تحقیقاتی	اطلاعات موجود نیست	تاسیس شهرک دانشگاهی

مأخذ: دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، گزارش های عملکرد سالهای مختلف

به نظر می‌رسد به غیر از منطقه آزاد کیش که پس از پیروزی انقلاب دارای برخی از تاسیسات ابتدایی و خاصی شده بود، دو منطقه دیگر (قشم و کیش) در ابتدا عملاً از هر گونه زیربنای مادی و اجتماعی محروم بودند. به گونه ای که به جرات می توان گفت که در سال ۱۳۷۲ این مناطق حتی نسبت به مناطق عقب مانده داخلی نیز از جهاتی محروم تلقی می شدند. این مشکل برای منطقه آزاد چابهار که کاملاً از امکانات ابتدایی محروم بود، مشهود بود.

در جدول شماره (۲-۳)، وضعیت نامناسب مناطق آزاد سه گانه کشور هنگام شروع فعالیت خود نشان داده شده است.

جدول شماره (۲-۳): وضعیت سرمایه‌گذاریهای زیربنایی مناطق آزاد ایران در ابتدای سال فعالیت

شرح	چابهار	قشم	کیش
بندر	۳ بندر خارج از محدوده منطقه	بندرستی ماهیگیری	بندر ماهیگیری
راه	فاقد راه آهن و جاده های ترانزیتی	راههای روستایی	۲۵ کیلومتر جاده داخلی
فرودگاه	فرودگاه نظامی (خارج از محدوده منطقه)	-	دارد
برق	۱ مگاوات	۱/۴ مگاوات	۶ مگاوات
آب شیرین کن	کمبود شدید	۹۰۰ مترمکعب در روز	۲۹۰۰ مترمکعب در روز
مخابرات	فاقد امکانات مخابراتی	تلفن راه دور (محدود)	۲۵۰۰ خط تلفن
مسکن	روستایی	روستایی	موجود (برای اهداف خاص)
انبار	۶/۹۶ هزار متر متعلق به سازمان بنادر	فاقد انبار	۱۰ هزار مترمربع
گمرک	استقرار در خارج منطقه	استقرار در خارج منطقه	استقرار در منطقه
هتل	-	فاقد هتل	۳۵۰۰ تخت هتل و مسافر خانه
بیمارستان	-	-	-
دانشگاه	علوم دریایی خارج از محدوده منطقه	-	-

منبع: برنامه توسعه مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی

همانطور که جداول بالا نشان می دهند، مساله فقدان زیرساخت های مادی و اجتماعی در مناطق آزاد کشور نسبت به مناطق آزاد شیامین، هان نای و جبل علی کاملاً مشهود است. این موضوع هنگامی اهمیت مضاعف پیدا می کند که این مناطق در رقابت با مناطق آزاد کشورهای همجوار قرار می گیرند. باید به این نکته توجه داشت که بندر "جبل علی" که در سال ۱۹۸۵ و به عنوان مرکز توزیع کالای منطقه ای تأسیس شد، برای احداث امور زیربنایی و امکانات لازم، مقامات این منطقه، بودجه اولیه ای معادل ۱۱ میلیارد دلار را سرمایه گذاری کردند و مطابق آمارها و در بستر چنین سرمایه گذاری قابل توجهی، در همان سال اول، حجم تجارت در جبل علی به بیش از ۴ میلیارد دلار رسید.

۳,۲. مشوقهای سرمایه گذاری در مناطق آزاد اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا

علاوه بر بحث مهم زیر ساختها که بعنوان پیش شرط اساسی جهت استقرار مناطق آزاد بایستی قبل از فعالیت این مناطق تأمین شده باشد یا فراهم کردن آنها جزء برنامه های فعالان منطقه باشد، دسته دیگری از ابزارهای تشویقی وجود دارند که آنها نیز ضمن داشتن شکل عمومی، می توانند برای هر منطقه آزاد بعنوان یک ویژگی منحصر به فرد مطرح شوند. این ابزارها همان رژیم های تشویقی مربوط به مقررات، تأمین مالی و سیستم مالیاتی هستند که علی رغم جدل فراوان در مباحث تجربی نسبت به مؤثر بودن آنها در بسته های تشویقی کشورها برای سرمایه گذاران پیشنهاد می شوند.

همانگونه که جدول (۲-۴) نشان می دهد مشوقهای مالی در اکثر قریب به اتفاق کشورها به سرمایه گذاران در مناطق آزاد این کشورها اعطا می شود. مشهورترین مشوق هم همان معافیتهای مالیاتی است که تقریباً در همه کشورها وجود داشته و دامنه آن از ۲ تا ۲۰ سال پیش بینی شده است. علاوه بر آن، اغلب کشورها حقوق گمرکی و عوارض تمام کالاهای سرمایه ای وارداتی به این مناطق را نیز با تخفیف یا معافیت کامل اعمال می کنند.

جدول (۲-۴): مناطق آزاد در اقتصادهای خاورمیانه

نام کشور	نوع مشوق		
	مقرراتی	مالی	تأمین مالی
الجزایر	--	معافیت از مالیات بر درآمد شرکتها و اشخاص و دارایی	دولت در برخی مناطق هزینه زیرساختهای لازم را پرداخت می کند.
بحرین	شرکتهای سرمایه گذاری خارجی از اظهار حداقل سرمایه معاف اند و فعالیت اصلی خود را می توانند در خارج از کشور داشته باشند.	شرکتها از عوارض واردات ماشین آلات و نهاده ها معاف اند.	
مصر	شرکتها در برابر دولتی سازی مصون بوده و کنترل قیمت محصولات اعمال نمی شود.	-تعلیلات مالیاتی از ۵ تا ۲۰ سال -معافیت سرمایه گذاری های مجدد حاصل از سود و فروش محصولات -کاهش عوارض واردات نهاده ها و ماشین آلات	
اردن		-تعلیلات مالیاتی از ۲ تا ۱۲ سال -معافیت عوارض گمرکی نهاده ها و ماشین آلات	

نام کشور	نوع مشوق		
	مقرراتی	مالی	تأمین مالی
کویت	آزادی استخدام نیروی کار خارجی	-معافیت مالیات بر درآمد به مدت ۱۰ سال	زمین و زیرساختهای لازم برای سرمایه گذاری فراهم می شود.
لبنان	-آزادی استخدام نیروی کار خارجی -معافیت شرکتهای سهامی عام از مقررات مربوط به ترکیب هیئت مدیره	-معافیت ۱۰ ساله از مالیات بر درآمد -کاهش عوارض گمرکی -کاهش انواع هزینه های جوارها و ثبت نام ها	
مراکش	-اعطای امتیاز تصاحب زمین	-کاهش مالیات بر درآمد شرکتها برای ۵ سال و نرخهای ترجیحی برای ۱۰ سال بعد -۲۰ درصد تخفیفات سرمایه گذاری و ۲۵ تا ۱۰۰ درصد معافیت عائدی سرمایه -کاهش عوارض گمرکی و VAT -معافیت عوارض شهری برای ۵ سال	
عمان		-معافیت مالیاتی برای ۵ سال و تمدیدپذیری آن برای ۵ سال دیگر -معافیت عوارض گمرکی برای ماشین آلات و نهاده ها	تسهیلات خاص از بانک توسعه ملی عمان
قطر	انعطاف پذیری در قوانین مهاجرت	-معافیت مالیاتی برای ۵ سال و تمدیدپذیری آن برای ۵ سال دیگر -معافیت عوارض گمرکی برای ماشین آلات و نهاده ها -معافیت از عوارض صادرات	
عربستان سعودی		-معافیت مالیاتی برای ۱۰ سال -معافیت گمرکی برای ماشین آلات و نهاده هایی که در داخل کشور موجود نیست.	تأمین زمین، آب و برق و سایر کمک های یارانه ای.
تونس		-معافیت مالیاتی برای ۱۰ سال و نرخهای ترجیحی	پروژه هایی که قابلیت اشتغالزایی بالایی داشته باشند می توانند از

نام کشور	نوع مشوق		
	مقرراتی	مالی	تأمین مالی
		برای سالهای بعد -معافیت سرمایه گذاری مجدد - معافیت عوارض گمرکی برای ماشین آلات و نهاده ها	زمینهای با قیمت دولتی استفاده کنند.
یمن		-معافیت مالیاتی ۲ ساله و قابل تمدید تا ۱۶ سال -معافیت مالیات بر دارایی و معافیت های گمرکی	

Source: MENA-OECD Investment Programme.(۲۰۰۵)

۴,۲. سیاستهای تشویقی در مناطق آزاد سایر کشورها

۴,۲,۱. ترکیه

در ترکیه ۲۱ منطقه آزاد تجاری و صنعتی وجود دارد. به دلیل وجود تسهیلات زیربنایی قوی و معافیت های مختلف قانونی، این مناطق جذابیت فراوانی برای سرمایه گذاران و تجار خارجی دارند. مهم ترین فرازهای قانون مناطق آزاد ترکیه که شامل مزایا و معافیت های موجود در این مناطق هستند، عبارتند از: الف) معافیت مالیاتی: درآمدهای حاصله از فعالیت های تولیدی در مناطق آزاد از مالیات بر درآمد معاف است. معافیت مالیات بر حقوق ماهیانه پرسنل (۳۵٪ - ۱۵٪) و معافیت مالیات شرکت (۲۰٪) می باشد.^{۶۲} ب) امکان حضور دراز مدت: واحدهای تجاری و اداری آماده موجود در مناطق، به مدت ۱۰ سال برای فعالیت های تجاری و ۲۰ سال برای فعالیت های تولیدی اجازه داده می شوند، اما چنانچه سرمایه گذار خود اقدام به احداث نماید، قرارداد اجازه برای فعالیت های تجاری ۲۰ ساله و برای فعالیت های تولیدی ۳۰ ساله خواهد بود. قراردادها تا ۹۹ سال قابل تمدید است. ج) معافیت از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات بر ارزش افزوده برای کالاها و مواد اولیه ای که از دیگر کشورها وارد منطقه آزاد می شوند. د) شرکت هایی که فعالیت تولیدی ندارند و فقط صادرات و یا تجارت ترانزیت انجام می دهند مالیات بر ارزش افزوده و تعرفه گمرکی پرداخت نمی کنند، یعنی مثلاً اگر جنسی از اروپا و یا هر کشور دیگری به مناطق آزاد بیاوریم و

^{۶۲} -مناطق آزاد تجاری در ترکیه: سرمایه گذاری، هزینه، راه اندازی، معافیت مالیاتی و مزیت

مدتی بعد به کشور ثالثی صادر نماییم، در این فرآیند مالیات‌های گمرکی جنس مزبور پرداخت نخواهد شد. ه) محصولات تولیدی، بدون محدودیت در زمان می‌توانند در منطقه آزاد تجاری باقی بمانند. و) خدمات: آب، برق، گاز، مخابرات و زیرساخت‌ها از مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند. ز) انتقال نقدینگی: درآمدهای حاصل از فعالیت در مناطق آزاد به راحتی و با آزادی کامل قابل انتقال به داخل خاک ترکیه و یا کشورهای دیگر است و نیاز به اخذ مجوز نیست. ح) کلیه معاملات (فعالیت‌های) بانکی از مالیات معاف است.

۲,۴,۲. کره جنوبی

راهبرد اساسی صنعتی شدن از طریق توسعه صادرات در برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد توجه دولت کره جنوبی بوده است. بنابراین دولت کره در سال ۱۹۶۵ در راستای این راهبرد، اقدام به ایجاد تعداد محدودی منطقه تجارت آزاد کرد. هدف از ایجاد این مناطق، تسریع در رشد اقتصادی از طریق جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تشویق صادرات، ایجاد اشتغال و انتقال فناوری اعلام شد. در مناطق پردازش صادرات کره جنوبی چندین سیاست تشویقی در نظر گرفته شده که در ذیل به آن اشاره شده است:

- معافیت کامل از حقوق گمرکی و مالیات روی مواد خام، قطعات و اجزاء، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز برای فعالیت‌های تولیدی در منطقه وجود دارد.
- تولیدات صادراتی شرکت‌ها در این منطقه از حقوق گمرکی معاف است.
- انگیزش‌های مالیاتی در منطقه ماسان شامل معافیت دائم از مالیات فعالیت‌های کسب و کار و مالیات بر ارزش افزوده کالاهای سرمایه‌ای وارداتی است. برای پنج سال نخست شرکت‌ها می‌توانند از معافیت کامل مالیات بر درآمد شرکت، مالیات بر دارایی و مالیات زمین برخوردار باشند. برای سه سال بعد شرکت‌ها از ۵۰ درصد تخفیف برخوردار می‌شوند. در عمل تا سال ۱۹۸۴ شرکت‌های مستقر در منطقه ماسان می‌توانستند از این مشوق‌ها برای یک دوره طولانی‌تر بهره‌مند شوند. هر شرکت می‌توانست با تجدید قرارداد هر ده سال یک بار برخورداری از مشوق‌های مالیاتی را تداوم دهد. به این ترتیب که پس از ده سال فعالیت در منطقه، سرمایه‌گذار می‌توانست قرارداد جدیدی با منطقه ماسان برای توسعه سرمایه‌گذاری و تولید ببندد. آنگاه این شرکت به عنوان یک شرکت جدید شناخته می‌شد که می‌توانست دوره جدیدی از مشوق‌ها را بدست بیاورد. در سال ۱۹۸۴ تخفیف ۵۰ درصدی سه ساله حذف شد. در سال ۱۹۹۱ معافیت پنج ساله مالیاتی نیز فقط به مناطق

پردازش صادرات محدود شد و مناطق صنعتی دیگر کره که سرمایه‌گذار خارجی در آن فعالیت می‌کرد از این قانون مستثنی شدند.

- مشوق‌های دیگر در منطقه ماسان؛ شامل تضمین بازگشت سود توزیع شده شرکت توسط سرمایه‌گذاران خارجی از اولین سال عملیات می‌باشد. انتقال درآمد ناشی از فروش سهام توسط سرمایه‌گذاران خارجی تا حداکثر ۲۰ درصد سرمایه ثبت شده شرکت، هر سال پس از سال سوم فعالیت امکان پذیر است. بنگاه‌های مستقر در منطقه ماسان اگر ثبت کره باشند (شرکت داخلی باشند) می‌توانند همانند صادرکنندگان داخلی از یارانه‌های صادراتی استفاده و وام‌هایی با نرخ‌های بهره پایین دریافت کنند.

۳,۴,۲. هند

تأسیس مناطق تجارت آزاد در کشور هند، در راستای سیاست‌های کلی مربوط به تشویق صادرات، از دهه ۱۹۶۰ آغاز گردید و ارائه برنامه‌های جدید برای تأسیس مناطق ویژه اقتصادی، از سال ۲۰۰۰ شروع شد. در این برنامه معیارهای برای افزایش کیفیت اداره این مناطق در نظر گرفته شد که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است:

- ۱۰۰ درصد معافیت برای پنج سال (واحدهای بانکی خارجی؛ سه سال) و ۵۰ درصد تخفیف برای دو سال بعد،

- معافیت پنج ساله - عدم بررسی گمرکی و تنها بر اساس خوداظهاری

- سرمایه‌گذار خارجی صد درصد حق مالکیت دارد.

- ساده‌سازی فرایندهای گمرکی

- اجازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بطور صد در صد از طریق روش‌های خودکار (بجز برخی صنایع

حساس مانند صنایع نظامی و تولید سیگار که در این موارد باید بطور انفرادی تقاضای سرمایه‌گذاری بررسی شود)، به ویژه ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی، تولیدکنندگان فیبر نوری و بخش مخابرات؛

- صادرات مجدد کالاهای وارداتی و کالاهای وارد شده با وام؛

- اجازه بازگشت کامل سود، بدون هیچگونه الزام در تقسیم یا عدم تقسیم آن؛

- معافیت از حقوق گمرکی برای پنج سال؛

- ۱۰۰ درصد معافیت مالیات بر درآمد برای پنج سال و ۵۰ درصد تخفیف برای دو سال؛

- ۱۰۰ درصد معافیت مالیات بر درآمد برای سه سال و ۵۰ درصد برای دو سال برای واحدهای بانکی خارجی؛
- عرضه کالا از قلمرو گمرکی داخلی به منطقه ویژه برای صادرات؛
- انتقال زیان به آینده؛
- معافیت از عوارض غیرمستقیم در تهیه کالاهای سرمایه‌ای، مواد خام و قطعات یدکی مصرفی از بازار داخلی؛
- معافیت مالیاتی پروژه‌های جدید صنعتی در مناطق آزاد تجاری، پارک تکنولوژی نرم‌افزار، پارک تکنولوژی سخت‌افزار الکترونیکی، پروژه‌های با ۱۰۰ درصد اهداف صادراتی و واحدهای فعال در مناطق ویژه اقتصادی. این معافیت مالیاتی تنها برای پروژه‌هایی قابل اعمال است که قبل از پایان سال مالیاتی ۲۰۱۰/۱۱ شروع شده باشند.

۴,۴,۲. زیمباوه

شرکت‌های واقع در مناطق صادرات محور برای ۵ سال از پرداخت مالیات بر درآمد معاف هستند.

۵,۴,۲. کنیا

شرکت‌های واقع در مناطق صادرات محور از مشوق تعطیلی مالیاتی برای ۱۰ سال برخوردار هستند.

۶,۴,۲. مراکش

شرکت‌های واقع در مناطق آزاد تجاری از پرداخت مالیات بر درآمد بر روی سود حاصل از صادرات برای ۵ سال معاف هستند.

۷,۴,۲. رومانی

کالاهای وارداتی به مناطق آزاد تجاری از حقوق گمرکی معاف هستند.

۸,۴,۲. قزاقستان

مشوق‌های مالیاتی موجود برای شرکت‌های فعال در مناطق ویژه اقتصادی: الف) کاهش ۱۰۰٪ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی؛ ب) نرخ صفر درصد مالیات بر زمین و مالیات بر دارایی.

۹,۴,۲. لهستان

مشوق سرمایه گذاری به صورت اعتبار مالیاتی برای ۱۴ منطقه ویژه اقتصادی.

۱۰,۴,۲. تایوان

معافیت مالیات بر درآمد شرکت های فعال خارجی و شعب آنها در مناطق آزاد تجاری و همچنین معافیت برای فروش داخلی به تایوان تا حداکثر ۱۰٪ فروش کل آنها.

۱۱,۴,۲. ژاپن

مشوق مالیاتی در مناطق استراتژیک بین المللی: الف) هزینه های سرمایه ای شامل: کسور هزینه سرمایه ای به میزان ۵۰٪ و یا اعتبار مالیاتی ۱۵٪ تا ۲۰٪ هزینه سرمایه ای؛ ب) معافیت ۲۰٪ از مالیات بر درآمد شرکت تا ۵ سال.

۱۲,۴,۲. آذربایجان

نرخ ترجیحی مالیات بر درآمد با نرخ ۵/۰ درصد؛ و مالیات بر ارزش افزوده با نرخ صفر درصد، برای شرکت های فعال در مناطق ویژه اقتصادی.

۱۳,۴,۲. اسپانیا

در این کشور آن دسته از درآمد شرکت ها که از مناطق آزاد کوئتا و ملیلا حاصل شده است از اعتبار مالیاتی ۵۰ درصدی بهره مند است.

۵,۲. مقایسه تطبیقی برخی سیاست های تشویقی مناطق آزاد ایران و سایر کشورها

جدول (۲-۵) مقایسه تطبیقی برخی سیاست های تشویقی مناطق آزاد ایران و سایر کشورها را نشان می دهد. در این جدول، وضعیت مشوق های مربوط به معافیت مالیاتی، حقوق گمرکی، مالکیت خارجی و مشوق صادراتی برای کشورهای ایران، چین، امارات، هند و کره جنوبی نشان داده شده است. بر اساس اطلاعات جدول، همه کشورهای معافیت مالیاتی را در سطح بسیار زیادی برای سرمایه های خارجی اعمال می کنند. همچنین، عوارض گمرکی و مشوق های صادراتی نیز کمابیش مانند هم عمل می کنند. اما در واگذاری مالکیت، مناطق آزاد ایران نسبت به بقیه محدودتر هستند و صرفاً به اجاره زمین، مبادرت می ورزند.

جدول (۲-۵) - مقایسه تطبیقی برخی سیاست‌های تشویقی مناطق آزاد ایران و سایر کشورها^{۶۳}

موضوع	ایران	چین	امارات	هند	کره جنوبی
معافیت مالیاتی	معافیت ۲۰ ساله از شروع فعالیت	معافیت از مالیات بر درآمد و لزوم پرداخت مالیات ۱۵ درصدی برای تجارت	معافیت مالیاتی برای شرکتها به مدت ۱۵ سال و قابل تمدید برای ۱۵ سال دیگر	معافیت ۱۰۰ درصد برای پنج سال (خارجی ها سه سال) و ۵۰ درصد تخفیف برای دو سال بعد	معافیت دائم از مالیات فعالیت های کسب و کار و معافیت مالیات بر ارزش افزوده کالاهای سرمایه ای وارداتی - معافیت پنج ساله مالیات بر درآمد و تخفیف ۵۰ درصدی سه ساله پس از آن
حقوق گمرکی	محدودیت تعرفه ای ندارد	به طور کلی معاف است اما برای برخی کالاها که فقط در منطقه به فروش می رسد نیمی از عوارض اخذ می شود	معافیت ۱۰۰ درصد	معافیت پنج ساله - عدم بررسی گمرکی و تنها بر اساس خوداظهاری	معافیت کامل حقوق گمرکی برای کالاهای مواد خام، قطعات، اجزا و ماشین آلات و تجهیزات، تولیدات صادراتی
مالکیت خارجی	اجاره به خارجیان مجاز و فروش ممنوع است	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد
مشوق صادراتی	صادرات معاف از تعرفه بوده و سود نیز تا ۱۰ سال معاف است.	معاف از عوارض صادراتی	۱۰۰ درصد معافیت صادرات و واردات	صادرات مجدد کالاهای وارداتی و کالاهای وارد شده با وام	مشوق صادراتی مانند وام با نرخ بهره پایین

همانطور که مشاهده می‌شود تنها تفاوت قابل توجه در سیاست‌های تشویقی مناطق آزاد ایران و سایر مناطق آزاد، مربوط به مالکیت خارجی است. در مناطق آزاد ایران، این مالکیت امکان‌پذیر نبوده و تنها به صورت اجاره امکان‌پذیر است.

۶,۲. خلاصه فصل

در این فصل، پراکندگی جغرافیایی مناطق آزاد در اقصی نقاط دنیا مورد بررسی قرار گرفت. بررسی‌های آمار توصیفی نشان می‌دهد که طی چهار دهه گذشته مناطق آزاد در دنیا به شدت در حال افزایش بوده بگونه‌ای که این افزایش در آفریقا و آمریکای لاتین به سرعت در حال گسترش بوده است. البته این مسأله بی ربط به سیاست‌های آزادسازی تجاری و پیمان‌های مختلف تجاری بین کشورهای آفریقایی نبوده و تحرکات تجاری در حرکت به سمت گسترش استفاده از مناطق آزاد مؤثر بوده است.

همچنین، مهمترین هدف این فصل، بررسی تطبیقی سیاست‌های تشویقی رایج در مناطق آزاد در کشورهای مختلف بود. بر اساس ادبیات موجود و بررسی‌ها، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، معافیت مالیاتی بعنوان مشهورترین ابزار تشویقی آنهم بصورت طولانی مدت، در تمام اقتصادهای مهم این منطقه رایج است. اما در کشورهایی مانند ژاپن و لهستان این مشوقها به طرق دیگری مانند اعتبار مالیاتی و یا بصورت محدود برای سرمایه گذاران در نظر گرفته شده است.

فصل سوم:

**بررسی عملکرد مناطق
آزاد در اقتصاد ایران**

مقدمه

مناطق آزاد در ایران از سال ۱۳۷۲ و با تصویب قانون نحوه اداره مناطق آزاد شروع به فعالیت کردند. از مصوبه سال ۱۳۷۲ به بعد اصلاحات دیگری نیز از ناحیه دستگاههای اجرایی و قانونگذاری و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام به آن اضافه شده است تا به روان سازی امور در این مناطق کمک کرده باشد که اهم این تغییرات در ادامه همین فصل مورد اشاره قرار می گیرند. مدیریت مناطق آزاد در این مناطق، متعلق به دولت است و دولت در چارچوب سازمانهای مستقل، که بصورت شرکتهای با شخصیت حقوقی رسمیت یافته اند، هر منطقه آزاد را اداره می کند. هرچند اداره نهایی این مناطق زیرنظر رئیس جمهور بوده و در قالب شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی اتفاق می افتد.

در حال حاضر در ایران، هفت منطقه آزاد کیش، قشم، چابهار، انزلی، اروند، جلفا و ماکو فعال هستند که در زمینه های مختلف صنعتی و تجاری اقدام به فعالیت در چارچوب قوانین و مقررات تعریف شده می کنند. در این بخش بعد از مطرح کردن این چارچوب حقوقی، به تحلیل توصیفی-استنتاجی عملکرد مناطق آزاد در ایران پرداخته شده و نقش عوامل مؤثر بر این عملکرد و جایگاه مشوقهای مالیاتی بررسی خواهد شد..

۱,۳. چارچوب قانونی فراهم شده برای مناطق آزاد در ایران

۱,۳,۱. قانون برنامه پنجم

ماده ۱۱۲- به منظور ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفاء نقش مؤثر آنها در تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله نظام، اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در این مناطق، هم پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخشهای مختلف:

د- مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه عوارض (به استثناء عوارض موضوع ماده (۱۰) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷)، مالیات و حقوق ورودی معاف می باشند.

ماده ۱۵۹- به منظور تسهیل و تشویق سرمایه گذاری صنعتی و معدنی در کشور اقدامات زیر انجام می شود:

الف- معافیت موضوع ماده (۱۳۸) قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحات بعدی در طول برنامه به میزان پانزده واحد درصد (۱۵٪) افزایش می یابد.

ب- میزان معافیت مالیاتی واحدهای صنعتی و معدنی مناطق کمتر توسعه یافته تا سقف معافیت های منظور شده در مناطق آزاد تجاری- صنعتی افزایش می یابد.

۲,۱,۳. قانون مالیات بر ارزش افزوده

بر اساس مواد ۶، ۷، ۱۳ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بر اساس بخشنامه شماره ۵۴۴۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۶ سازمان امور مالیاتی کشور، مبادلات کالا و خدمات فیما بین اشخاص و فعالان اقتصادی مقیم در مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی، در داخل محدوده مناطق یاد شده، مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده نمی باشد. همچنین صادرات کالا و خدمات از مناطق مذکور به خارج از کشور و همچنین واردات کالا و خدمات از خارج از کشور به مناطق یاد شده مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون مذکور نمی باشد.

۳,۱,۳. قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷

ماده ۱۳- اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره برداری مندرج در مجوز، به مدت ۲۰ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات های مستقیم معاف خواهند بود و پس از انقضای ۲۰ سال تابع مقررات مالیاتی خواهد بود که با پیشنهاد هیات وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.^۱

۴,۱,۳. قانون مالیات های مستقیم

ماده (۱۳۲) قانون مالیات های مستقیم (اصلاح شده طبق قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱)، درآمد ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی اشخاص حقوقی غیردولتی در واحدهای تولیدی یا معدنی که از تاریخ اجرای این ماده از طرف وزارتخانه های ذی ربط برای آنها پروانه بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می شود و همچنین درآمدهای خدماتی بیمارستان ها، هتلها و مراکز اقامتی گردشگری اشخاص یاد شده که از تاریخ مذکور از طرف مراجع قانونی ذی ربط برای آنها پروانه بهره برداری یا

مجوز صادر می‌شود، از تاریخ شروع بهره‌برداری یا استخراج یا فعالیت به مدت پنج سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به مدت ده سال با نرخ صفر مشمول مالیات می‌باشد.

- دوره برخورداری محاسبه مالیات با نرخ صفر برای واحدهای اقتصادی مذکور موضوع این ماده واقع در شهرکهای صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی دو سال و در صورت استقرار در شهرکهای صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته، به مدت سه سال افزایش می‌یابد.

- شرط برخورداری از هر گونه معافیت مالیاتی برای اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در مناطق آزاد و سایر مناطق کشور تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موقع مقرر قانونی است. اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی شامل ترازنامه و حساب سود و زیان طبق نمونه‌ای است که توسط سازمان امور مالیاتی تهیه می‌شود.

- نرخ صفر مالیاتی و مشوقهای موضوع این ماده شامل درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز استان تهران و پنجاه کیلومتری مرکز استان اصفهان و سی کیلومتری مراکز سایر استان‌ها و شهرهای دارای بیش از سیصد هزار نفر جمعیت براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن نمی‌شود.

- واحدهای تولیدی فناوری اطلاعات با تأیید وزارتخانه‌های ذی ربط و معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور در هر حال از امتیاز این ماده برخوردار می‌باشند. همچنین مالیات واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در کلیه مناطق ویژه اقتصادی و شهرکهای صنعتی به استثنای مناطق ویژه اقتصادی و شهرکهای مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز استان تهران با نرخ صفر محاسبه می‌شود و از مشوقهای مالیاتی موضوع این ماده برخوردار می‌باشند.

- درخصوص مناطق ویژه اقتصادی و شهرکهای صنعتی یا واحدهای تولیدی که در محدوده دو یا چند استان یا شهر قرار می‌گیرند، ملاک تعیین محدوده به موجب آیین‌نامه‌ای است که حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۲,۳. رژیم مشوقهای سرمایه گذاری در مناطق آزاد ایران

بطور خلاصه، بر اساس قوانین فوق، رژیم مشوقهای سرمایه گذاری پیش بینی شده در این مناطق در ایران عبارتند از:

- معافیت مالیاتی دو دهه از تاریخ بهره برداری برای فعالیت اقتصادی؛
- عدم نیاز به روادید برای ورود و خروج خارجیان؛
- آزادی کامل خروج ارز؛
- انعطاف پذیری بیشتر عملیات بانکی؛
- تضمین حقوق قانونی سرمایه گذاران خارجی؛
- عدم محدودیت جهت سرمایه گذاری و مشارکت خارجی؛
- انتقال آسان سرمایه داخل، خارج و سایر مناطق آزاد ایران؛
- معافیت از سود بازرگانی و عوارض گمرکی برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات صنعتی؛
- امکان سرمایه گذاری خارجی بدون مشارکت داخلی؛
- امکان خرید و فروش و اجاره زمین برای سرمایه گذاران داخلی و اجاره زمین برای خارجیان؛
- عدم محدودیت خرید و فروش و تبدیل ارز؛
- ثبت شرکتها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی توسط سازمان منطقه آزاد؛
- آزادی ورود هر نوع کالا به استثنای کالاهای مغایر با شرع و قانون؛
- ترانزیت و صادرات مجدد کالاهای صادراتی؛

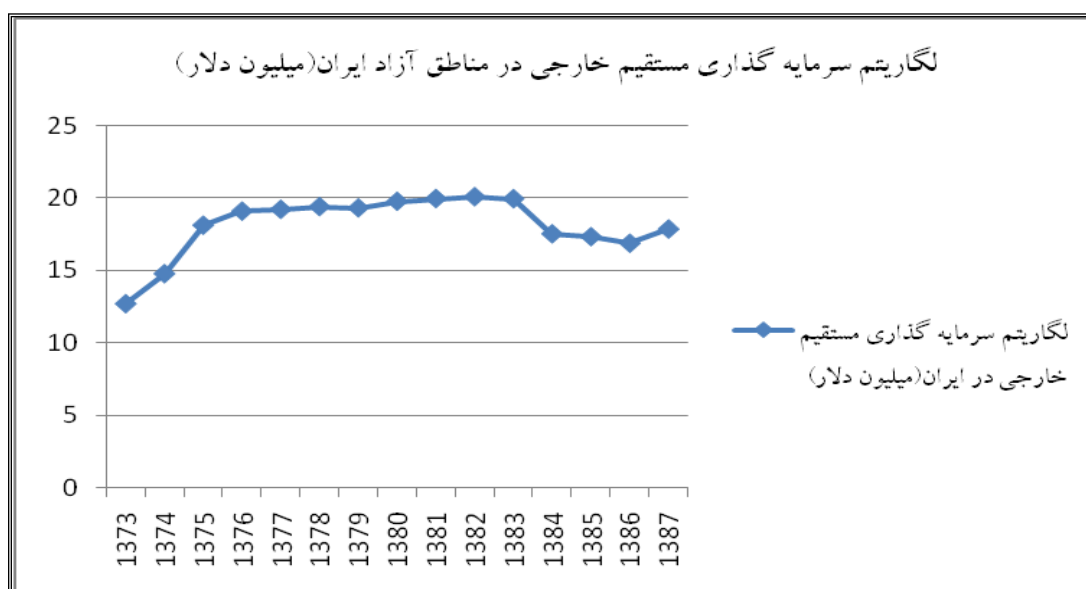
۳,۳. عملکرد مناطق آزاد در ایران

همانگونه که در فصل اول نشان داده شد یکی از مهمترین اهداف گسترش مناطق آزاد در اقتصادهای میزبان و تحمل هزینه های متعدد توسط آن، جذب سرمایه گذاری های خارجی و داخلی بوده است. همانطور که نمودار (۳-۱) نشان می دهد سرمایه گذاری مستقیم خارجی از ابتدای فعالیت شدن این مناطق در دهه ۱۳۷۰ و بعد از آن، ابتدا در سه سال اول، روند صعودی قابل توجهی داشته و سپس برای یک دوره تقریباً ۱۰ ساله با شیب بسیار ملایمی افزایش داشته است. اما اواسط دهه ۱۳۸۰ علی رغم گسترش تعداد این مناطق، سرمایه گذاری های خارجی جذب شده در آنها کاهش قابل ملاحظه ای را نسبت به دهه قبل، از خود نشان می دهد.

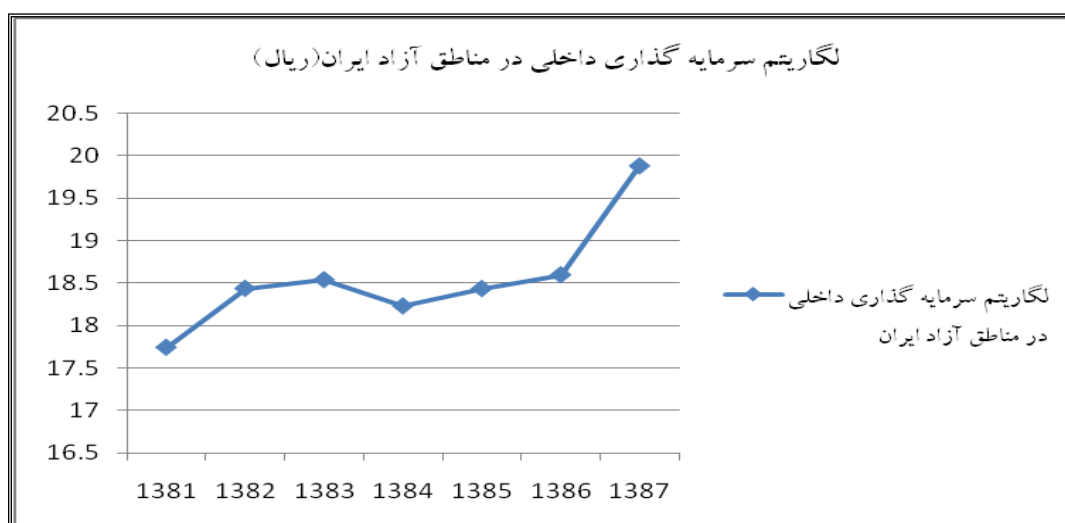
سرمایه گذاران داخلی نیز در یک دهه اخیر باعث ایجاد فراز و نشیبهایی در روند سرمایه گذاری داخلی در مناطق آزاد شده اند. بگونه ای که بر اساس نمودار (۳-۲) سرمایه گذاری داخلی در سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ روند صعودی

داشته سپس با یک حرکت نزولی در سال ۱۳۸۴، مجدداً تغییر جهت داده و با شیب ملایمی تا سال ۸۶ افزایش داشته است. اما در سال ۱۳۸۷ این افزایش شدیدتر شده است. در سالهای اخیر نیز سرمایه گذاری داخلی در این مناطق نیز به تناسب سرمایه گذاری سایر مناطق کشور دچار کاهش شده است. باید توجه داشت که در داخل کشور در سالهای مزبور سیاستهای مالی و مالیاتی بر اساس دوره های قبل بوده و سیاست تشویقی خاصی اعمال نشده اما جریان نقدینگی در اقتصاد در حال رشد سریع بوده است.

نمودار (۱-۳): روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد



نمودار (۲-۳): روند سرمایه گذاری داخلی در مناطق آزاد



در هر صورت در یک بررسی بلندمدت می توان دریافت که علی رغم بسته قابل توجهی از مشوقهای متنوع در مناطق آزاد ایران، نه سرمایه گذاری خارجی و نه سرمایه گذاری داخلی روند سریع و رو به رشدی را از خود نشان نداده اند که این می تواند ناشی از نقص های زیر ساختی و عدم هزینه کرد توسعه ای در این مناطق و یا سایر چالشهای تأثیرگذار بوده باشد. این عدم معنی داری عوامل تعیین کننده سرمایه گذاری از طرف مشوقهای مالی و مالیاتی در بررسی تجربی نیز قابل مشاهده است. این در حالی است که سرمایه گذاری در زیر ساختها و موارد زیربنایی اثر مثبت و معنی داری بر جریان سرمایه های خارجی دارند.

همچنین، مناطق آزاد در ایران حتی به لحاظ واردات نیز نگرانی خاصی را ایجاد نکرده اند چرا که بعنوان مثال، برای سال ۱۳۹۱ کل واردات مناطق آزاد ایران بر اساس آمار گمرک، در جدول (۳-۱) خلاصه شده است.

جدول (۳-۱): واردات از مناطق آزاد ایران در سال ۱۳۹۱

نام منطقه آزاد	ارزش کالای تجاری وارده از مناطق آزاد (میلیون دلار)	درصد از کل واردات کشور
بندرانزلی	۲۲۱۳	۳/۳
اروند	۷۲۸	۱/۰۹
جلفا	۵۵۳	۰/۸۲
چابهار	۵۱۵	۰/۷۷
قشم	۱۲۶	۰/۱۹
کیش	۸۲	۰/۱۲
کل	۴۲۱۷	۶/۳

مأخذ: گمرک ج.ا.ا. دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات، گزارش آماری عملکرد مناطق آزاد کشور طی سال ۱۳۹۱، ص ۶.

همانگونه که جدول ۳-۱ نشان می دهد واردات در یک سال حتی به ۶/۵ درصد هم نرسیده است. بنابراین، علی رغم انتقادات زیادی که در باب مناطق آزاد ایران در خصوص صرفاً وارداتی بودن این مناطق وجود دارد، آمارها نشان می دهند که در مورد مناطق آزاد ایران حتی این نگرانی نیز چندان جدی نیست و بیش از ۹۳/۵ درصد واردات کشور عمدتاً از مبادی دیگری انجام می گیرد.

۴.۳. بررسی تجربی: مشوقهای مالیاتی و جذب سرمایه های خارجی در مناطق آزاد ایران

در این قسمت از تحقیق، بدلیل عمده ترین دلیل یا فلسفه وجودی مناطق آزاد که در فصل اول جلب سرمایه های خارجی عنوان شد، از یک مدل با ساختار پنل دیتای نامتوازن برای بررسی عوامل تعیین کننده جریان سرمایه گذاری

خارجی به مناطق آزاد ایران (بجز ماکو) استفاده شده است که در آن FDI به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. برای این اساس مدل اقتصاد سنجی مربوط به این تحقیق، تابعی از عوامل زیر در نظر گرفته شده است:

$$FDI = f(HUC, COI, TRI, DOI, EXR, IIR, ZON, HOL)$$

که در آن؛ FDI: سرمایه گذاری مستقیم خارجی؛ ^۱HUC: هزینه توسعه انسانی؛ COI: سرمایه گذاری در ارتباطات؛ TRI: سرمایه گذاری در حمل و نقل (سرمایه گذاری زیربنایی)؛ HOL: تعداد سالهای تعطیلی مالیاتی؛ DOI: سرمایه گذاری داخلی؛ EXR: درآمد ارزی مناطق؛ IIR: نرخ بهره بین المللی؛ ZON: تعداد مناطق آزاد، متغیرهای مدل می باشند. بعد از بررسی های اولیه مبنی بر آزمونهای ریشه واحد و تحلیل رفتار متغیرها از تخمین زن اثرات ثابت برای برآورد ضرایب استفاده شده که خلاصه نتایج، در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۲-۳): خلاصه نتایج بررسی تعیین کننده های جریان FDI در مناطق آزاد ایران

نام متغیر	ضریب	p-value
ZON	۰/۰۲	۰/۰۸
EXR	۰/۴۵	۰/۰۰۰۰
HUC	۰/۷۶	۰/۰۰۰۰
HOL	۰/۰۹	۰/۱۲
DOI	۰/۰۴۹	۰/۰۸
IIR	-۱/۷۷	۰/۳۱
COI	۰/۵۲	۰/۰۱۳
TRI	۰/۴۷	۰/۰۴
R-squared=۰/۶۶		

مأخذ: تلخیص شده از خروجی نرم افزار

آنچه از بررسی مقداری فوق بر می آید این است که تعداد مناطق و درآمد ارزی مناطق، اثر مثبتی بر جذب سرمایه گذاری خارجی در مناطق دارند، با این تفاوت که اثر تعداد مناطق به لحاظ آماری، چندان معنی دار نیست ولی درآمد ارزی، معنی دار است. سرمایه گذاری توسعه انسانی نیز اثر مثبت و معنی داری بر جذب سرمایه گذاری در این مناطق دارد. اما، شاخص مشوقهای مالیاتی یعنی تعداد سالهای تعطیلی مالیاتی اثر معنی داری بر جذب سرمایه گذاری خارجی ندارد. سرمایه گذاری داخلی هر چند به لحاظ مقداری اثر کوچکی دارد اما اثر آن مثبت و معنی دار است. نرخ بهره بین الملل بر اساس انتظارات توریک، اثر منفی داشته ولی به لحاظ آماری معنی دار نیست. سرمایه گذاری در ارتباطات اثر مثبت و معنی دار دارد. سرمایه گذاری در حمل و نقل اثر مثبت و معنی داری دارد. بنابه نتیجه آزمون هاسمن، از روش اثرات ثابت استفاده شده است.^{۶۴}

^{۶۴} - علاوه بر بررسی ما، پژوهشگران دیگری نیز عملکرد مناطق آزاد ایران و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار داده اند. بعنوان نمونه، رهنورد (۱۳۸۹) در یک مطالعه میدانی، عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد در ایران را به پنج دسته؛ الزامات اجرایی و سیاستگذاری، عوامل محیطی، شفاف سازی قوانین و مقررات، جهت گیری استراتژیک و سازوکارهای مالی تقسیم بندی کرده و هر کدام از این عوامل را نیز در چارچوب سؤالات ریز تر از افراد نمونه آماری خود تحقیق کرده است. وی، معافیتهای مالیاتی را در گروه اول یعنی الزامات اجرایی و سیاستگذاری وارد کرده است در این گروه علاوه بر نقش معافیتهای مالیاتی، عوامل دیگری نیز وارد تحلیل شده اند و با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی وزن هر کدام از زیر شاخص ها در شاخص اصلی محاسبه شده اند که در زیر وزن هر کدام از زیر شاخص های شاخص اول یعنی الزامات اجرایی و سیاستگذاری ارائه شده اند:

- ایجاد تسهیلات بیمه ای و بانکی با ضریب اهمیت ۰/۷۷۱
- هماهنگی لازم بین دستگاههای اجرایی و مناطق آزاد با ضریب ۰/۶۳۹
- تأمین امکانات زیر بنایی و نیازهای اولیه قبل از شروع بکار مناطق آزاد با ضریب ۰/۶۲۱
- وجود امکانات زیربنایی و مساعد بودن شرایط با ضریب ۰/۶۰۲
- حذف تشریفات زائد در صدور مجوزهای سرمایه گذاری با ضریب ۰/۵۹۵
- تلاش برای جذب نیروی متخصص به مناطق آزاد ۰/۵۳
- معافیتهای مالیاتی با ضریب ۰/۴۴۳
- ثبات در تصمیم گیری ها ۰/۴۴۲

همانگونه که ضرایب فوق در شاخص بدست آمده نشان می دهند ضریب اهمیت معافیتهای مالیاتی در این تحقیق ۰/۴۴ بدست آمده است. این ضریب اولاً کوچکتر از ۰/۵ بوده و به لحاظ آماری اهمیت معنی دار در شاخص مورد نظر ندارد و ثانیاً هفتمین عامل اثر گذار (بی معنی) در شاخص می باشد. بنابراین، یکی از نتایج ضمنی این تحقیق، آن است که سیاستهای معافیت مالیاتی واقعاً جزء عوامل اثر گذار بر عملکرد مناطق آزاد نیستند.

۵,۳. خلاصه فصل

هدف اساسی در این فصل، بررسی فضای سرمایه گذاری در مناطق آزاد ایران و ارزیابی نحوه عملکرد این مناطق در شاخص های مختلف بویژه سرمایه گذاری مستقیم خارجی بود. مشوقهای موجود در رابطه با فعالیت در مناطق آزاد ایران علاوه بر قانون چگونگی تشکیل و اداره این مناطق، در قانون برنامه پنجم توسعه و نیز قوانین مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم ایران تصریح شده اند. مهمترین مشوقهای موجود در این زمینه شامل مشوقهای مقرراتی مانند عدم نیاز به روادید، خروج کامل ارز و مشوقهای مالیاتی مانند معافیت کامل ۲۰ ساله هستند.

اما با وجود مشوقهای قابل توجهی که برای بنگاههای واقع در مناطق آزاد در نظر گرفته شده است متغیرهای کلیدی مانند سرمایه گذاری مستقیم خارجی یا داخلی تأثیر معنی داری از این مشوقها نپذیرفته اند. به عبارت دقیق تر، بررسی علی-تحلیلی که در چارچوب یک ساختار پل دیتای نامتوازن برای شش منطقه آزاد انجام شد نشان داد که ضرایب مربوط به مشوقهای مالیاتی در جذب سرمایه گذاری معنی دار نیستند. دلیل این امر را هم می توان به عدم تحقق پیش شرطها بویژه زیرساختهای مورد نیاز برای استقرار سرمایه گذار در این مناطق نسبت داد. همچنین، وجود مناطق جذاب تر و قدرتمندتر دیگری مانند جبل علی و سایر رقبا را نباید در این امر بدون تأثیر قلمداد کرد.

فصل چهارم:

تحلیل هزینه – فایده

مشوقهای مالیاتی در مناطق

آزاد ایران

مقدمه

همانگونه که در فصل اول نیز عنوان شد، بررسی های تجربی مربوط به مناطق آزاد در دو گروه کلی روش شناسی صورت می پذیرند:

الف- بررسی های نظری و تجربی در چارچوب مدل های کلاسیک (مانند مدل هکشر-اوهلین) و جدید تجارت بین الملل؛

ب- بررسی تجربی در چارچوب تکنیک های هزینه-فایده مانند روش یافتن ارزش فعلی خالص و همچنین، مطالعات توصیفی و پیمایشی که جنبه های متعددی از مناطق آزاد را در اقصی نقاط جهان را مورد بررسی قرار می دهند؛

تحلیل های هزینه - فایده جهت تعیین متغیرهای اثرگذار بر یک فرآیند و کمی سازی متغیرهای کیفی برحسب پول رایج یک کشور بکار گرفته می شوند. این تحلیل ها اثرات قطعی و احتمالی اجرای سیاستها را برای تصمیم گیرندگان مشخص می کنند و نتایج آنها می توانند بعنوان مبنایی برای سیاستگذاری قرار گیرند.

ویژگی مهم تحلیل های هزینه-فایده بر مبنای مقدار است. تحلیلهای مبتنی بر مقدار نیز، برخلاف روشهای دیگر مانند انواع مدل های اقتصاد سنجی، قابل تصدیق یا تکذیب نیستند. مقادیر بدست آمده نیز از روشی به روش دیگر می تواند متفاوت باشد ولی نباید به نتایج متناقض ختم گردند.

۱،۴. چارچوب هزینه- فایده تأسیس مناطق آزاد

مهمترین اقدام عملی قبل از استفاده از یک ابزار، ارزیابی میزان اقتصادی بودن آن یا همان تحلیل هزینه-فایده آن است. مناطق آزاد نیز بعنوان یک ابزار برای ایجاد رشد اقتصادی قبل از تأسیس باید مورد ارزیابی اقتصادی قرار گرفته و تمام منافع و هزینه های آن فهرست شوند. روشن است که برخی از این منافع و هزینه ها را می توان به واحدهای پولی و مبلغ بیان کرد ولی برخی دیگر بدلیل ماهیت کیفی آنها بسادگی قابلیت کمی سازی را ندارند. بنابراین، در ارزیابی های اقتصادی مبتنی بر هزینه فایده، اغلب، آن قسمت از هزینه ها و یا منفعی که قابلیت کمی سازی و بیان آنها به واحدهای پولی باشد و بطور خلاصه یک مقدار مشخص برای نتیجه نهایی بدست دهد را منظور می کنند.

در ادامه، مهمترین هزینه ها و منافعی که معمولاً در ادبیات مربوط به بررسی های مناطق آزاد بر می شمردند مطرح خواهد شد.

۲,۴. هزینه ها

هزینه های این ابزار را می توان در دو گروه هزینه های توسعه ای^{۶۵} و هزینه های عملیاتی^{۶۶} تقسیم بندی کرد:

۱,۲,۴. هزینه های توسعه ای

هزینه های توسعه ای عبارتند از:

- ۱) هزینه های فراهم سازی زمین بویژه هزینه هایی که از خشکاندن دریاها و یا مسطح کردن کوهها و تپه ها شکل می گیرند.
- ۲) هزینه های زیرساختهای فیزیکی و سخت افزاری مانند احداث انواع راهها، بنادر، انبارها، فرودگاهها، خطوط آب، گاز و برق و سایر انرژی ها.
- ۳) هزینه های ارتباطاتی و نرم افزاری مانند خطوط تلفن، اینترنت و شبکه های لازم برای زیر ساختهایی مانند بانکداری و غیره.
- ۴) هزینه های لازم برای ساخت ساختمانهای واحدهای تولیدی و طراحی سایت.

۲,۲,۴. هزینه های عملیاتی

این نوع هزینه ها را هم می توان در سه گروه هزینه های عمومی و مدیریتی^{۶۷}، هزینه های فروش و بهبود کسب و کار^{۶۸} و هزینه های تأمین مالی و سیاستی^{۶۹} تقسیم بندی کرد:

- ۱) هزینه های عمومی و مدیریتی: مهمترین هزینه هایی که در این طبقه جای می گیرند عبارتند از حقوق و مزایای نیروی کار (اعم از مدیریت و کارکنان)، هزینه انواع حق بیمه ها و مالیاتها، هزینه های نگهداری، امنیت، مصرف انرژی، ملزومات و سایر انواع هزینه هایی که بصورت روزمره و جاری از زمان شروع کار مناطق شکل می گیرند.

^{۶۵} - Development Costs

^{۶۶} - Operating Costs

^{۶۷} - Administration and General Costs

^{۶۸} - Selling and Promotion Costs

^{۶۹} - Finance and Policy Costs

۲) هزینه های فروش و بهبود کسب و کار: هزینه هایی که می توان در این گروه طبقه بندی کرد عبارتند از هزینه های فروش، تبلیغات، آموزش، حق اشتراکات، مسافرتها، قراردادهای و نظایر آن. هزینه های تأمین مالی و سیاستی^{۷۰}: تمامی هزینه های مربوط به تأمین مالی و مدیریت سرمایه گذاری در این طبقه جای می گیرند. هزینه های مربوط به تأمین مالی کوتاه مدت و تسهیلات بانکی، هزینه های مربوط به تأمین مالی های بلندمدت و بازارهای سرمایه، انواع وامهای بین المللی و نظایر آنها در این طبقه می توانند مورد بررسی قرار گیرند.

۳،۴. منافع

منافعی که می توان انتظار داشت تا از تأسیس مناطق آزاد، عاید کشور شود عبارتند از:

۱،۳،۴. منافع حاصل از فروش یا اجاره زمین؛

دولتها بر اساس، قوانین مربوط به تأسیس مناطق آزاد ممکن است از واگذاری زمینهای منطقه در نظر گرفته شده مبالغی را بصورت اجاره و یا حتی واگذاری و فروش مالکیت آنها، دریافت می کنند. این درآمدها، بسته به قانون موجود می تواند به یکی از ارزهای بین المللی و یا پول رایج همان کشور باشد. لازم به ذکر است که درآمد حاصل از زمینهایی که واحدهای اداری مناطق آزاد در آنها دایر می شود و در حقیقت به نمایندگی از دولت مرکزی در آنجا مستقر می شوند جزء درآمدهای از دست رفته لحاظ و بعنوان هزینه های توسعه ای در نظر گرفته می شوند.

۲،۳،۴. منافع حاصل از اشتغال؛

منافع حاصل از اشتغال را می توان از دو بعد مورد بررسی قرار داد. اول از بعد اقتصادی و دوم بعد اجتماعی. از نظر اقتصادی منافع حاصل از اشتغال را می توان در شاخص های پولی مانند حقوق و دستمزد یا شاخص های مقداری مانند تعداد شغل های ایجاد شده، افزایش نرخ مشارکت و نرخ کاهش یافته بیکاری جستجو کرد. اما به لحاظ اجتماعی، اثرات اشتغال را می توان در مواردی مانند کاهش جرم ناشی از بیکاری، افزایش سلامت روانی ناشی از مفید بودن افراد در جامعه و سایر موارد روانی - اجتماعی بیان کرد که در ارزیابی های اقتصادی مد نظر قرار نمی گیرند. اما زمانیکه ارزش فعلی خالص منافع بدست آمد می توانند بعنوان اجزاء کیفی به آن اضافه شوند و در گزارش نهایی لحاظ شوند.

^{۷۰} - Finance and Policy Costs

۳,۳,۴. منافع حاصل از استفاده از انرژی؛

روشن است که بنگاههای مستقر در مناطق آزاد از تمام منابع انرژی در حوزه تولید و اداری استفاده خواهند کرد. اما بدیهی است که در قسمت هزینه های توسعه ای، هزینه های ثابت این دست از امکانات زیربنایی قبلاً یکبار ارائه شده اند و جزء هزینه های شکل گرفته هستند. اما برای عرضه جاری این انرژی ها نیز عرضه کنندگان آنها هزینه تولید می پردازند لذا منفعت زمانی محقق می شود که دریافتی ناشی از آخرین واحد فروش انرژی بزرگتر از هزینه تولید آخرین واحد آن باشد.

۴,۳,۴. منافع حاصل از مالیاتها برای دولت؛

در یک بیان کلی، می توان گفت که منافع حاصل از مالیات به افق زمانی در نظر گرفته شده برای فعالیت منطقه آزاد و همچنین افق زمانی فعالیت بنگاه در آن منطقه بستگی دارد. چرا که کشورها برای جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی در مراحل اولیه سرمایه گذاری در این مناطق معمولاً از معافیت های مالیاتی استفاده می کنند. هر کشوری بسته به قوانین موجود و نیز میزان اهمیت درآمدهای مالیاتی در کوتاه مدت، زمان اعمال شده برای این نوع معافیتها را اعلام می کند. برخی کشورها از معافیت های ۱۰۰ درصدی و برخی دیگر از نرخهای ترجیحی و پایین تر از سرزمین اصلی استفاده می کنند. سایر مشوقهای مالیاتی نیز در قالب استهلاكات شتابان یا اعتبارات مالیاتی عرضه می شوند. منافع مالیاتی بعد از سپری شدن مدت زمان معافیت ها و اعمال نرخهای نرمال مالیاتی ظاهر خواهند شد. البته اگر مقررات دقیق برای مسائلی مانند قیمت گذاری انتقالات و عدم تبدیل اسمی شرکتها به شرکتهای جدید وجود داشته باشد.

۵,۳,۴. منافع حاصل از توسعه منطقه ای؛

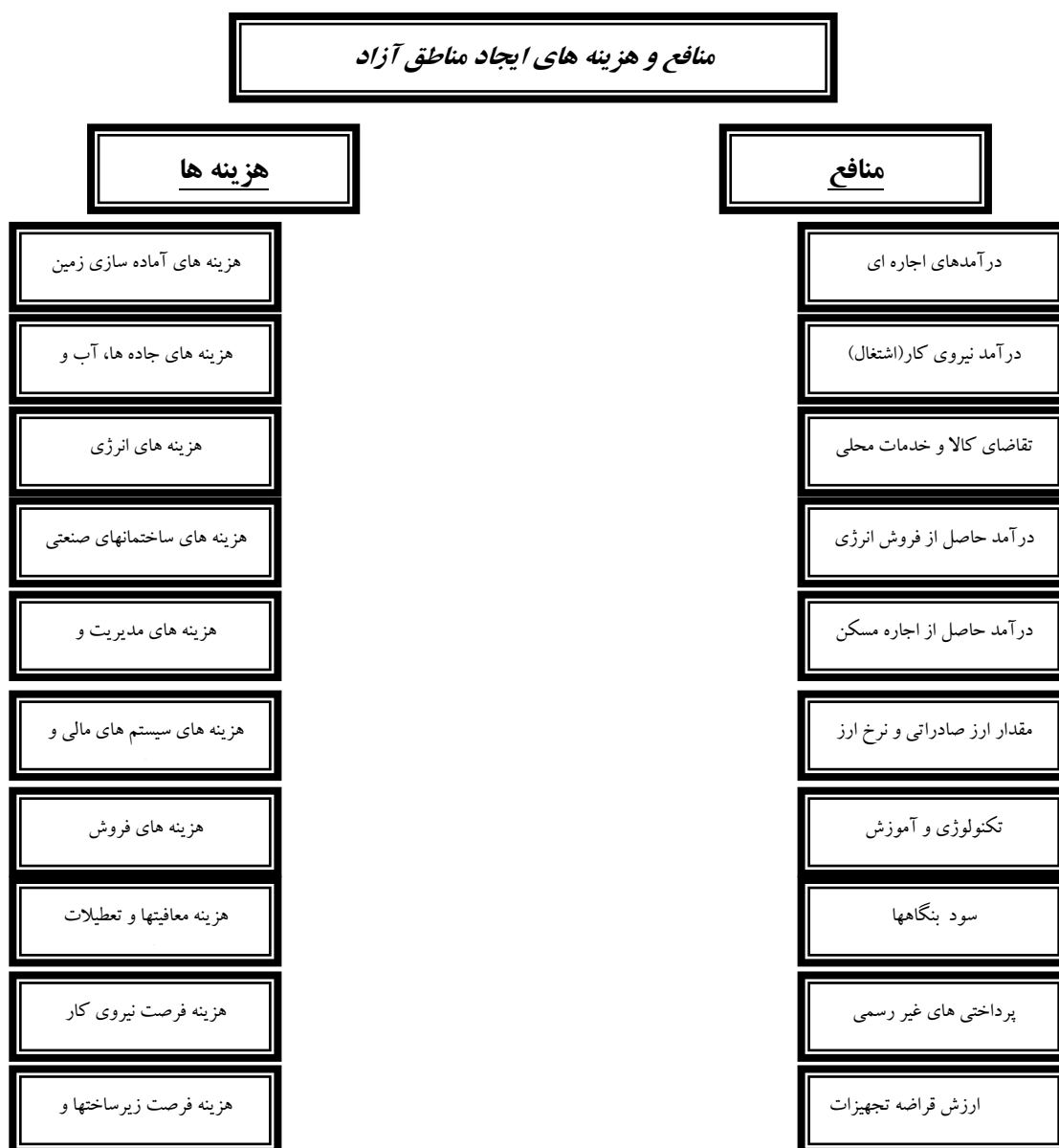
منافع حاصل از توسعه منطقه ای را، علاوه بر اشتغال مستقیم و غیر مستقیم که قبلاً اشاره شد، می توان در صرفه ها و سرریزهای مثبت حاصل از ورود بنگاههای داخلی و خارجی در این مناطق جستجو کرد. از جمله این موارد می توان به خرید کالاهای محلی و ایجاد تقاضا برای این نوع کالاها، استفاده از خدمات حمل و نقل محلی مانند کشتیرانی، راه آهن، فرودگاه، شبکه های حمل و نقل جاده ای و نظایر آن، استفاده از خدمات فنی و مهندسی محلی مانند نگهداری و تعمیر، استفاده از خدمات بانکداری - مالی محلی و استفاده اجاره ای از ساختمانهای مسکونی و تجاری خارج از منطقه آزاد جهت سکونت یا تجارت اشاره کرد.

لازم به ذکر است که همه این موارد می توانند هزینه فرصت از دست رفته یا سایه ای نیز داشته باشند که در صورت بالاتر و یا برابر بودن قیمت خدمات از این هزینه فرصت از دست رفته آنها را می توان جزء منافع لحاظ کرد. بعنوان مثال، اگر حمل و نقل محلی خدمت خود را با قیمتی بالاتر به بنگاههای خارج از منطقه آزاد عرضه نماید آنگاه خدمات وی به بنگاه واقع در منطقه آزاد منفعت محسوب نمی شود.

۶,۳,۴. منافع حاصل از درآمدهای ارزی؛

۷,۳,۴. منافع حاصل از تکنولوژی وارداتی.

شکل (۴-۱): تلخیص تحلیل هزینه ها و منافع مناطق آزاد



۴,۴. بررسی تجربی بر اساس تحلیل هزینه - فایده

از آنجا که هدف این مطالعه یافتن ارزش فعلی صنایع استفاده کننده از امتیازات مالیاتی مورد نظر بوده، لذا بر اساس شکل فوق، می توان خالص ارزش فعلی انجام هر گونه سرمایه گذاری در هر منطقه آزاد را نیز بر اساس همان چارچوب (و به نسبت استفاده هر سرمایه گذار از امکانات فراهم شده برای وی) و برای یک یا چند صنعت درحالت های مختلف امتیازات مالیاتی (سناریوهای مختلف) برآورد کرد.

«اما قبل از آن باید یادآوری شود که عمده ترین کانالی که مالیات ها می توانند بر تصمیمات سرمایه گذاری اثرگذار باشند همان کانال هزینه سرمایه است. لذا مالیات ها و معافیت های مالیاتی مستقیماً قادر به تغییرات اشتغال، صادرات و واردی از این دست در مناطق آزاد نمی باشند، هرچند اثرات غیر مستقیم آنها در این مطالعه مورد بحث نمی باشد. در حقیقت، معافیت های مالیاتی می توانند دارایی بنگاه را از طریق استهلاک های سریع و کنار گذاشتن آن از درآمد مشمول مالیات افزایش دهند یا ارفاق های مستقیم به همراه اعتبارات مالیاتی می توانند باعث کاهش هزینه تمام شده یک واحد سرمایه گذاری شوند.»

با یادآوری نکته اساسی فوق می توان مبنای نظری و مدل های مناسب که دارای سناریوهای مختلف برای ارزیابی اثرات مالیات ها بر ارزش بنگاه هستند را به صورت زیر دسته بندی کرد:

حالت اول: تعطیلی موقت مالیاتی و وجود تعرفه مثبت بر ورود کالاهای سرمایه ای (نرخ سریع استهلاک در سال اول و مستقیم در بقیه سالها)

$$NPV = -[E + Mvm] + \int_0^N A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + (1-\tau) \int_N^L A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + S_L e^{-(r)L} \\ + \tau \int_0^1 \sigma E e^{-r(1-\tau)t} dt + \tau \int_0^{\Omega} (E/\Gamma) e^{-r(1-\tau)t} dt$$

NPV = خالص ارزش فعلی

E = کل هزینه سرمایه (هزینه های توسعه ای جهت شروع فعالیت: هزینه زیر ساخت ها + هزینه ساختمانها و استهلاک

سالیانه آنها + هزینه ماشین آلات + هزینه مواد اولیه (وارداتی + داخلی))

M = ارزش ماشین آلات وارداتی به ارزش های خارجی

m = نرخ تعرفه ، v = نرخ ارز

Mvm = هزینه ماشین آلات وارداتی به ریال

نکته: بر اساس قوانین سرمایه گذاری در مناطق آزاد، همه بنگاههای متقاضی فعالیت در این مناطق ضمن اینکه سرمایه اولیه فعالیت را در ابتدای تاسیس باید اظهار نمایند، سایر صورتهای مالی خود را نیز پس از تایید حسابرسان مورد وثوق سازمان مناطق آزاد به این سازمانها تسلیم کنند. همچنین، مرکز آمار ایران بصورت سالانه آمار صنعت در استانها و شهرستانها را استخراج می کند. بنابراین، همه داده های مربوط به فعالیت بنگاهها ولو بصورت منتشر نشده نزد سازمانها موجود است.

$$N = \text{تعداد سالهای معافیت موقت مالیاتی}$$

$$A = \text{درآمدهای ناشی از سرمایه گذاری (سود ناخالص = فروش یا درآمدهای ارزی و ریالی - کل هزینه های تولید و فروش).}$$

$$\alpha = \text{نرخی که بازدهی سرمایه گذاری یا همان سود ناخالص، بر اساس تعریف استهلاک اقتصادی واقعی ساموئلسون}^{\gamma 1} \text{ در طول زمان کاهش می یابد.}$$

$$\Gamma = \text{نرخ واقعی سود بانکی (هزینه فرصت)}$$

$$\tau = \text{نرخ مالیات بر شرکتها}$$

$$L = \text{افق سرمایه گذاری در مناطق}$$

$$S = \text{ارزش قراضه سرمایه گذاری ها (درصدی از کل هزینه سرمایه)}$$

$$\sigma = \text{نرخ استهلاک شتابان}$$

$$\Gamma = \text{تعداد سالهای در نظر گرفته شده بعنوان عمر مفید دارایی در جدول استهلاکات قوانین مالیاتی.}$$

و

$$\Omega = (1 - \sigma)\Gamma$$

^{۷۱} - Samuelson's True Economic Depreciation (TED)

حالت دوم: تعطیلی موقت مالیاتی و عدم وجود تعرفه مثبت بر ورود کالاهای سرمایه ای و اعطای تخفیف های مالیاتی^{۷۲} (نرخ سریع استهلاك در سال اول و مستقیم در بقیه سالها)

$$NPV = -[E] + \int_0^N A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + (1-\tau) \int_N^L A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + S_L e^{-(r)L} \\ + \tau \int_0^1 \sigma E e^{-r(1-\tau)t} dt + \tau \int_0^{\Omega} (E/\Gamma) e^{-r(1-\tau)t} dt + \tau \int_0^1 \beta E e^{-r(1-\tau)t} dt$$

که ضریب β در آن نرخی است که ارفاق مالیاتی از هزینه های سرمایه گذاری یا جریان درآمدي مشمول مالیات می کاهد.

حالت سوم: تعطیلی موقت مالیاتی و عدم وجود تعرفه مثبت بر ورود کالاهای سرمایه ای و اعطای تخفیف های مالیاتی (نرخ آزاد استهلاك در سال اول)

$$NPV = -[E] + \int_0^N A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + (1-\tau) \int_N^L A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + S_L e^{-(r)L} \\ + \tau \int_0^1 E e^{-r(1-\tau)t} dt + \tau \int_0^1 \beta E e^{-r(1-\tau)t} dt$$

حالت چهارم: تعطیلی موقت مالیاتی و عدم وجود تعرفه مثبت بر ورود کالاهای سرمایه ای

$$NPV = -[E] + \int_0^N A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + (1-\tau) \int_N^L A(t)e^{-(\alpha+r)t} dt + S_L e^{-(r)L} \\ + \tau \int_0^1 E e^{-r(1-\tau)+\delta t} dt$$

۱,۴,۴. نتایج برآوردها

بر اساس قوانین مالیاتی و سایر مقررات مربوط به مناطق آزاد آنچه که بعنوان امتیاز مالیاتی در مناطق آزاد ایران به چشم می خورد همان معافیت موقت مالیاتی، عدم تعرفه بر ماشین آلات تولیدی وارداتی می باشد که اگر حالتهای

^{۷۲} - Tax Allowances

دوم و سوم ذکر شده در بحث فوق بکار گرفته شوند و استهلاك دارایی ها را هم بر اساس سه سناریوی خط مستقیم، سریع و آزاد (یعنی مستهلك کردن کل سرمایه گذاری در سال اول) وارد محاسبات گردند، آنگاه پس از محاسبه ارزش خالص فعلی در افقهای زمانی مختلف (۱۰ و ۲۰ ساله)، می توان بالاترین ارزشی که هر امتیاز مالیاتی به ازای نرخهای مختلف مالیاتی (۲۰ و ۲۵ درصد) برای هر سرمایه گذاری داشته باشد را در جدول (۴-۱) خلاصه نمود.

برای انجام این بررسی، از میان صنایع مستقر در منطقه آزاد قشم؛ صنایع مواد غذایی، محصولات کانی غیرفلزی، صنایع مواد و محصولات شیمیایی و صنایع سنگین فلزی انتخاب شده و داده های مربوط به هر کدام از آنها از آمارنامه های استانی و اطلاعات مناطق آزاد جمع آوری شد.

جدول (۴-۱): تحلیل هزینه - فایده سرمایه گذاری در منطقه آزاد قشم برای صنایع منتخب با تمرکز بر معافتهای موقت مالیاتی

نوع صنعت	معافیت موقت مالیاتی در مناطق آزاد و نرخهای مالیاتی در سرزمین اصلی (نرخ):	(نرخ استهلاك (۲) تحلیل هزینه فایده مدل سریع با سیگمای ۳۰ درصد)			(نرخ استهلاك (۳) تحلیل هزینه فایده مدل آزاد)			تحلیل هزینه فایده سرمایه گذاری (نرخ استهلاك به روش خط مستقیم)
		ارزش فعلی درآمد از دست رفته دولت (میلیون ریال)	تغییر مثبت در خالص ارزش فعلی بنگاه (میلیون ریال)	منافع به هزینه	درآمد از دست رفته دولت (میلیون ریال)	تغییر مثبت در خالص ارزش فعلی (میلیون ریال)	منافع به هزینه	منافع به هزینه
مواد غذایی (جدول استهلاكات: ۱۰ سال)	۲۰	۱۴۲۹۹۱۴	۲۹۳۷۱۷	۰,۲۰	۱۴۲۹۹۱۴	۶۷۴۴۴۳,۶	۰,۴۵	۰,۱۱
	۲۵	۱۷۸۷۳۹۲	۳۷۶۱۵۰	۰,۲۱	۱۷۸۷۳۹۲	۹۹۱۸۶۷	۰,۵۷	۰,۱۲
محصولات کانی غیر فلزی (جدول استهلاكات: ۱۰ سال)	۲۰	۴۰۸۳۰۷۲	۸۸۱۴۱۰	۰,۲۲	۴۰۸۳۰۷۲	۱۹۲۵۸۵۲	۰,۴۷	۰,۱۲
	۲۵	۵۱۰۳۸۴۰	۱۱۰۴۲۳۹	۰,۲۲	۵۱۰۳۸۴۰	۲۸۳۲۲۴۴	۰,۵۵	۰,۱۲
صنایع مواد و محصولات شیمیایی (جدول استهلاكات: ۶ سال)	۲۰	۱۸۵۱۶۲,۵	۴۶۳۹۰,۷۸	۰,۲۵	۱۸۵۱۶۲,۵	۹۵۷۹۶,۴۷	۰,۵۲	۰,۱۶
	۲۵	۲۳۱۴۵۳,۱	۵۸۸۸۳,۶۶	۰,۲۵	۲۳۱۴۵۳,۱	۱۴۲۲۴۲,۲	۰,۶۱	۰,۱۶
صنایع سنگین فلزی (جدول استهلاكات: متوسط ۷ سال)	۲۰	۳۷۸۰۲۰۸	۹۱۳۸۱۵,۳	۰,۲۴	۳۷۸۰۲۰۸	۱۵۶۴۵۹۶	۰,۵۲	۰,۱۴
	۲۵	۳۰۲۴۱۶۶	۷۱۸۰۱۲,۹	۰,۲۴	۳۰۲۴۱۶۶	۲۳۲۳۱۷۱	۰,۶۱	۰,۱۵

همانگونه که در جدول ۴-۱ مشاهده می شود برای محاسبه شاخص هزینه فایده، هزینه هر امتیاز مالیاتی ارزش فعلی درآمد از دست رفته دولت در افق زمانی مورد نظر و فایده آن افزایش در ارزش فعلی بنگاه در اثر معافیت مالیاتی برآورد شده است. روشن است هر جا که این نسبت از یک بزرگتر یا به آن نزدیک باشد امتیاز مالیاتی دارای توجیه اقتصادی بوده و برای کل اقتصاد هزینه اضافی تحمیل نمی کند در غیر اینصورت توجیه اقتصادی ندارد.

بر اساس نتایج بدست آمده، نسبت منافع به هزینه های معافیت مالیاتی در شرایطی که این صنایع تحت آن فعالیت می کنند یعنی معافیت موقت مالیاتی و پس اندازی که بصورت بالقوه از ناحیه استهلاك مستقیم دارایی ها عایدشان می شود، در بهترین حالت ۱۶ درصد می باشد که مربوط به صنایع شیمیایی است. به عبارت دقیق تر، نسبت منافع حاصل از معافیت مالیاتی و پس اندازی که آنها از این معافیت عاید خود می کنند در برابر ارزش فعلی درآمدی که دولت در طی این سالهای معافیت از دست می دهد فقط ۱۶ درصد است. حال اگر، روش مستهلک کردن دارایی ها نیز بر اساس یک سناریو و بر مبنای بالاترین نرخ نزولی (۳۰ درصد بدون در نظر گرفتن محدود نرخهای ۱۰۰ درصدی و یا اندکی پایین تر از آن) که اغلب برای دارایی های مختلف در ماده ۱۵۱ اعمال می شود در نظر گرفته شود، آنگاه بر پایه تحلیل های مدل (۲)، نسبت منافع به هزینه ها می تواند تا ۲۵ درصد افزایش یابد و حتی اگر نرخ صددرصدی را هم اعمال کنیم بر اساس مدل (۳)، نسبت منافع به هزینه ها حداکثر تا ۶۱ درصد افزایش خواهد یافت.

به عبارت دقیق تر، اعطای مشوقهای مالیاتی حجم قابل توجهی از درآمدهای دولت را در یک افق زمانی ۱۰ یا ۲۰ ساله از بین می برد در حالیکه به همان میزان ارزش ثروت اقتصاد افزایش نمی یابد. لذا ادامه برنامه های مشوق-محور و یا بهتر از آن مدل های دولت-محور مناطق آزاد، بیش از پیش در تضییع منابع اقتصادی کشور سهم خواهد داشت.



۱,۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بطور کلی، مهمترین نتایج این گزارش تحلیلی را می‌توان به شرح زیر تلخیص کرد:

۱- اولین تلاش‌های علمی که جهت منسجم کردن بحث مناطق آزاد در بطن تئوری‌های اقتصاد بین‌الملل صورت پذیرفت با اعمال فروض سخت‌گیرانه به این نتیجه رسیدند که مناطق آزاد باعث کاهش رفاه اقتصادی جامعه می‌شود. اما محققان بعدی با اعمال تغییراتی واقع‌نگرانه تر در فروض سعی کردند نتایج بدست آمده قبلی را تعدیل کنند.

۲- در ادامه نظریه پردازی‌ها و سیر تحقیقاتی در این زمینه، مناطق آزاد بعنوان تسهیل‌کننده فرآیند رشد و توسعه یک کشور شناخته شده و محققان با در نظر گرفتن پیش شرط کاتالیست بودن آن، اقدام به آزمون فرضیه‌های مختلف در زمینه کارکرد مناطق آزاد کرده‌اند. در این تحقیقات، مناطق آزاد بعنوان ابزاری برای پر کردن شکاف‌های ایده‌ای و شکاف‌های اشیا‌یی (سرمایه‌ای) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳- علل موفقیت مناطق آزاد را نباید با پیش شرط‌ها و همچنین پیامدهای موفقیت آنها یکی پنداشت. مواردی مانند داشتن زیر ساخت‌های مناسب، انرژی ارزان، نیروی کار فراوان، ثبات سیاسی و مانند آنها جزء پیش شرط‌های موفقیت هستند و مواردی مانند افزایش اشتغال در مناطق یا ارزآوری و یا صادرات بیشتر بعنوان پیامدهای موفقیت مناطق هستند که بخودی خود مقیاسی اساسی برای سنجش نیستند. اما علل موفقیت مناطق را باید در مواردی مانند دانش کافی مقامات در تأسیس مناطق آزاد، فرم‌های بهینه مناطق آزاد (دولتی، خصوصی، دولتی-خصوصی) و همچنین عدم کژمنشی و کژگزینی در عوامل اقتصادی (اعم از دولت و بخش خصوصی) فعال در این مناطق جستجو کرد. به عبارت دقیق‌تر، ممکن است یک منطقه اقتصادی، شغل ایجاد نکند، صادرات و ارزآوری داشته باشد ولی زمانی که در معرض یک تحلیل هزینه - فایده قرار می‌گیرد نشانه‌های مثبتی از منافع خالص آن وجود نداشته باشد. بنابراین مقیاس‌های کمی همیشه باید بصورت یکجا و باهمدیگر مورد استفاده قرار بگیرند تا همزمان تحقق پیش شرط‌ها و دلایل موفقیت مناطق مورد راستی آزمایی قرار گیرد.

۴- یکی از ویژگی‌های جهانی مناطق آزاد اقتصادی، اعطای انواع مشوق‌ها و تسهیلات در مقررات، تأمین مالی‌ها و مسائل مالیاتی در این مناطق است. اما کشورهای توسعه یافته در این ویژگی مانند کشورهای در حال توسعه عمل نمی‌کنند. اغلب کشورهای توسعه یافته ضمن اینکه سعی می‌کنند قوانین مالیاتی خود را بگونه‌ای تنظیم کنند که

مالیات مضاعف در سطح بین الملل از شرکتهای فعال در مناطق آزاد اخذ نشود ولی در عین حال، بهشتهای مالیاتی را نیز به شرکتهای اعطا نکرده و از رقابتهای مخرب مالیات در سطح بین الملل خودداری می کنند.

۵- بطور کلی، اقتصاددانان بر این باورند که کشورهای توسعه یافته برای رسیدن به توسعه خود از سیاستهای بهین اول استفاده کرده اند و بقیه کشورها از سیاستهای بهین دوم. رادریک (۲۰۰۸) از تأسیس مناطق آزاد بعنوان سیاست بهین دوم یاد می کند.

۶- بررسی های تطبیقی این مطالعه نشان داد که در اغلب کشورهای در حال توسعه، معافیت های عام مالیاتی در سطح گسترده ای در مناطق آزاد اعطا می شوند. ولی بررسی های تجربی، ضمن اینکه هزینه های این مشوقها را صراحتاً اعلام می کنند، نتیجه متقنی در خصوص مؤثر بودن این نوع مشوقهای عام در راستای جذب سرمایه های داخلی و خارجی ارائه نمی کنند. البته این بدان مفهوم نیست که مشوقها اساساً مورد حمایت خط تحقیقاتی شکل گرفته نیستند بلکه بدان معنی است که خالص منافع ایجاد شده ناشی از چنین سیاستهایی قابل دفاع نیستند.

۷- مناطق آزاد در ایران با وجود برخورداری از یک رژیم کامل تشویقی، هم در بعد پیش شرطها و هم در بعد پیامدها، یعنی جذب سرمایه های خارجی، روند قابل توجهی را طی نکرده اند.

۸- این مطالعه بر مبنای داده های سری زمانی و مقاطع مختلف (پنل دیتا) با وجود اینکه نقص های یک سری زمانی را با انعکاس تمام اثرات سایر متغیرها در خود نداشت اما قادر به نشان دادن معنی داری اثرات مشوق های مالیاتی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی نبود. به عبارت دیگر، با توجه به اعتقاد برخی محققان مبنی بر اینکه داده های سری زمانی مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی قادر به انعکاس اثرات تمام متغیرهای اثرگذار بر آنها نیستند و سایر ابعاد مانند مکان جغرافیایی نیز در شکل گیری روند زمانی آنها تأثیرگذار است به همین دلیل در فصل سوم از ساختار پنل دیتا برای ارزیابی اثرات مشوقهای مالیاتی بر سرمایه گذاری خارجی استفاده کردیم ولی ضرایب مربوط به این مشوقها از معنی داری آماری لازم برخوردار نبودند. البته دلیل این امر را می توان در عدم تحقق پیش شرطها و همچنین، وجود مناطق رقیب و البته قدرتمند دیگری نظیر جبل علی در مجاورت مناطق مهم آزاد ایران دانست.

۹- همچنین، برای اینکه این مطالعه به لحاظ روش شناسی از یک جامعیت کافی برخوردار باشد در فصل چهارم روش هزینه-فایده و تکنیک ارزش فعلی برگزیده شدند تا بررسی فراگیرتری نسبت به منافع و هزینه های تمام اقدامات و بویژه مشوقهای در نظر گرفته شده برای این مناطق منعکس گردند. این قسمت از مطالعه نیز دو نتیجه کلی در بر داشت: اولاً منافع حاصله از اعمال معافیت های مالیاتی منجر به سرمایه گذاری های گسترده و پوشش درآمدهای

از دست رفته دولت از طریق افزایش ارزش خالص دارایی‌ها نشده است و ثانیاً ارزش فعلی دارایی‌های بنگاه در روش مستهلک سازی سریع افزایش می‌یابد و این می‌تواند ضمن اینکه علامت مناسبی برای تبدیل درآمد خالص بنگاه‌ها به سرمایه گذاری‌های بیشتر بوده، راهنمای خوبی نیز برای سازمان مالیاتی جهت هدفمند نمودن امتیازات اعطایی خود باشد.

۱۰- بر اساس مباحث فوق، دولت می‌تواند بجای ارائه مشوقهای عام و غیرهدفمند مالیاتی، یک برنامه راهبردی کلان و بلندمدت برای این مناطق را اجرا کند تا این مناطق از محل شکست برنامه‌های مشوق-محور جهت جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی بیش از این میزان متضرر نشده و در هدررفت منابع نقش نداشته باشند.

منابع و مآخذ

دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی (۱۳۸۴). گزارش جامع عملکرد مناطق آزاد ایران ۸۳-۱۳۸۰. تابستان.

رهنورد، فرج اله (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق تجاری-صنعتی ایران، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، شماره ۷۴ پاییز و زمستان.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه پنجم توسعه.

سازمان امور مالیاتی کشور، قانون مالیاتهای مستقیم.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵). مروری بر تجربه مناطق آزاد تجاری-صنعتی در چین، دفتر مطالعات اقتصادی، تهران.

Aggarwal, A. (۲۰۰۷). Impact of Special Economic Zones on Employment, Poverty, and Human Development, Indian Council for Research on International Economic Relations (ICRIER) Working Paper. ۱۹۴.

Bartik, T. (۱۹۹۱). Who Benefits from State and Local Economic Development Policies, Kalamazoo, Mich.: W.E. Upjohn Institute for Employment Research.

Blomstrom, Magnus. (۲۰۰۱). The Economics of International Investment Incentives, Stockholm School of Economics, NBER.

Boettke, P. J. and P. T. Leeson (۲۰۰۴). Liberalism, Socialism, and Robust Political Economy, Journal of Markets & Morality, ۷(۱): pp: ۹۹-۱۱۱.

Chaudhuri, S. and S. Yabuuchi (۲۰۱۰). Formation of Special Economic Zone, Liberalized FDI Policy and Agricultural Productivity', International Review of Economics and Finance, ۱۹(۴): pp: ۷۷۹-۷۸۸.

Clark, W. S. (۲۰۰۰). Tax Incentives for Foreign Direct Investment: Empirical Evidence on Effects and Alternative Policy Options, Canadian Tax Journal ۴۸: pp: ۱۱۳۹-۱۱۸۰.

Cling, J. and G. Letilly (2001). Export Processing Zones: A Threatened Instrument for Global Economy Insertion?, DIAL Working paper DT/2001/17. Available from <<http://ideas.repec.org/p/dia/wpaper/dt200117.html>.

Farole, T. and G. Akinci (2011). Special Economic Zones: Progress, Emerging Challenges, and Future Directions, Washington, D.C.: The World Bank.

Fias (2008). Special Economic Zones: Performance, Lessons Learned and Implications for Zone Development, Final Report to U.S. Agency for International Development". The World Bank Group.

Fisher, P. S. and A. H. Peters (1998). Industrial Incentives: Competition among American States and Cities, Kalamazoo MI: W. E. Upjohn Institute for Employment Service.

Furby Mats.(2005). Evaluating the Malaysian Export Processing Zones With Special focus on the Electronic Industry, Lund University.

Ge, W. (1995). The Urban Enterprise Zone, Journal of Regional Science 35: pp:217-231.

Gross, E. P. and J. M. Phillips (1999). Do Business Tax Incentive Contribute to a Divergence in Economic Growth?, Economic Development Quarterly 13: pp: 217-228.

Hamada, K. (1994). An Economic Analysis of the Duty Free Zone, Journal of International Economics. No:4(3). pp:225-241.

Hamilton C. and L. O. Svensson (1982). On the Welfare Effects of a Duty Free Zone, Journal of International Economics. No:13(1). pp:45-64.

Hines Jr. James.R.(1999). Lessons from Behavioral Responses to International Taxation, University of Michigan and NBER,WP 1999-1.

Ikeda, S. (2005). The Dynamics of Interventionism' in Advances in Austrian Economics, Vol. 8: The Dynamics of Interventionism: Regulation and Redistribution in the Mixed Economy, ed P. Kurrild-Klitgaard:pp: 21-58.

International Labor Organization (2007). Database on Export Processing Zones (Revised), Working Paper 251, Geneva, Switzerland: International Labour Office.

- Jenkins M., G. Esquivel and B. F. Larrain (1998). Export Processing Zones in Central America, Harvard Institute for International Development Working Paper No: 949.
- Johansson H. (1994). The Economics of Export Processing Zones Revisited, Development Policy Review. No: 12(4). pp: 387-402.
- Johansson H. and Nilsson L. (1997). Export Processing Zones As Catalysts, World Development. No: 25(12). Pages: pp: 2115-2128.
- Kirzner, I. M. (1985). The Perils of Regulation: A Market-Process Approach, in Discovery and the Capitalist Process, Chicago: University of Chicago Press: pp: 119-149.
- Kusago, T. and Z. Tzannatos (1998). Export Processing Zones: A Review in Need of Update, Social Protection Group, Human Development Network, the World Bank.
- Lotta Moberg. (2014). The Political Economy of Special Economic Zones, Journal of Institutional Economics, Forthcoming.
- Madani D. (1999). A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones, World Bank Working Paper No: 2238. World Bank.
- MENA-OECD Investment Programme.(2005). Incentives and Free Zones in the MENA Region: A Preliminary Stocktaking, Working Group 2.
- Miyagiwa, K. (1986). "A Reconsideration of the Welfare Economics of a Free Trade Zone". Journal of International Economics. No: 21(3) Pages: 337-350.
- Organisation of Economic Cooperation and Development (OECD 1995). Taxation and Foreign Direct Investment. The Experience of Economies in Transition, Paris.
- Pennington, M. (2011). Robust Political Economy: Classical Liberalism and the Future of Public Policy, Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar.
- Pradeep, N. and P. Pradeep (2008). SEZs as Growth Engines – India Vs China, Available from <<http://ssrn.com/abstract=1279023>.
- Rhee, Y.W., K. Katterbach and J. White. (1990). Free Trade Zones in Export Strategies, Industry Development Division, Industry Series Paper. No: 39. World Bank.

- Rodric, Dani.(2008). Second-Best Institutions, NBER papers and Harvard University, John F. Kennedy School of Government, January.
- Romer, P. M. (1993). Idea Gaps and Object Gaps in Economic Development, Journal of Monetary Economics, 32,pp: 543-573.
- Strong, M. and R. Himber (2009). The Legal Autonomy of the Dubai International Financial Centre: A Scalable Strategy for Global Free-Market Reforms', Economic Affairs, 29(2):pp: 36-41.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD 2000). Tax Incentives and Foreign Investment - A Global Survey, Geneva: United Nations Publications.
- The Freeport Area of Bataan (FAB). Homepage link 'FAB History', Available from:http://www.freeportareaofbataan.com/fab/index.php?option=com_content&view=article&id=64&Itemid=154.
- Warr, P. (1987). Export Promotion via Industrial Enclaves: The Philippines' Bataan Export Processing Zone, The Journal of Development Studies, No:23(2). pp:220-241.
- Warr, P. (1989). Export Processing Zones: The Economics of Enclave Manufacturing, World Bank Research Observer. No:4(1). pp:65-88.
- Young L. and K. F. Miyagiwa (1987). Unemployment and the Formation of Duty Free Zones, Journal of Development Economics. No:26(2). pp:397-405.
- Yuan, J. and L. Eden (1992). Export Processing Zones in Asia: A Comparative Study, Asian Survey, 32(11).pp: 1026-1045.
- Zee, H. H., J. G. Stotsky and E. Ley (2002). Tax Incentives for Business Investment: A Primer for Policy Makers in Developing Countries, World Development, 30: pp:1497-1516